



احمد شاه (واحدت)
Ahmad Shah (Wahdat)
A. K. P. O.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی و خبری

والعصر

امروز ما

ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی افغانستان

۵ محرم الحرام ۱۴۱۷ هـ ق

۲۳ می ۱۹۹۶ م

پنجشنبه ۳ جوزا ۱۳۷۵

شماره پانزدهم

استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان طی تماس تلفونی با امروز ما:

باند خیانت و معامله خود را برای جنگ در هزاره جات آماده می سازد

در جهت سیاست جنگ افروزی اداره جنگی مسعود- ربانی در هزاره جات، باند خیانت و معامله، خود را برای اشتعال جنگ در آخرین خانه مردم ما، آماده می سازد و با اغوا و تهدید سعی در جمع آوری نیرو و گسیل آنها در هزاره جات دارد.

گزارشگر امروز ما از کابل گزارش می دهد: از چندی قبل به این سو که باند خیانت و معامله از سوی اداره انحصار شدیداً تحت فشار است که بهر قیمت باید در هزاره جات آتش جنگ را شعله ور سازند. این باند مزدور با سوء استفاده از بار سنگین معیشت در کابل، با وعده های

۸ ص

ما در هزاره جات خواهان صلح و امنیت هستیم. به هیچ کسی اجازه نمی دهیم که در خانه ما دست به آشوب و جنگ افروزی بزند

در پی شرارت ها و جنگ افروزی های جریان خیانت و معامله در هزاره جات، با استاد خلیلی دبیر کل ح. و. ا. ا. تماس تلفونی برقرار شد و ایشان در رابطه با تلاشهای صلحی که از سوی حزب وحدت اسلامی در هزاره جات جریان دارد، روشنی انداخته فرمودند:

وحدت اسلامی فیصله نمایند و هیئت صلحی را به شمول آقای ناطقی شفا می و احسانی یکاوندگی تعیین کردند که با همکاری ریشسفیدان و علمای منطقه جلو جنگ را بگیرند.

۸ ص

شروعی فیصله نماید. پس از آن به سایر علما و ریشسفیدان منطقه پیام دادیم که نگذارند در منطقه جنگ در بگیرد. شورای مرکزی حزب

ما برای صلح و آشتی در منطقه روس تلاش زیادی کردیم، به حضرت آیه... بهشتی، پیام دادیم که قضیه روس را از طریق صلح آمیز و

با آتش مدافعین ح. و. ا. ا. یک بال هلیکوپتر اداره جنگی کابل در روس سقوط نمود

در روز شنبه مطابق با ۱۳۷۵/۲/۲۹ یک بال هلیکوپتر اداره ربانی در پیتاب جوی روس هدف فیر مدافعین حزب وحدت اسلامی قرار گرفته سقوط نمود.

خبر نگار نظامی خبرگزاری وحدت اسلامی از منطقه گزارش می دهد، دو بال هلیکوپتری که از کابل به منطقه پیتاب جوی، مهمات و وسایل جنگی انتقال داده بود، بعد از تخلیه بار در حین پرواز از منطقه پسوی کابل یکی از آنها هدف آتش مدافعین جان پرکف مردم، قرار گرفته سرنگون گردید.

۸ ص

محترم داکتر طالب در مصاحبه با خبرنگار امروز ما :

ما عقیده داریم که تحرکاتی که در هر منطقه علیه حزب وحدت صورت می گیرد ابعاد وسیع تر ازین دارد که ما آن را به یک عده خیانت پیشه و معامله گر محدود کنیم

۳ ص

مردم غرب کابل از تلاشی خانه هایشان توسط گارنیزون مشترک، نگران هستند

در مقابل اداره جنگی کابل و باند خیانت و معامله، هیچ اطمینانی به این مردم ندارند

در پی تشدید جو بی اعتمادی میان اداره جنگی و مردم غرب کابل، گارنیزون مشترک، تصمیم گرفته است که خانه های مردم غرب کابل باید تلاشی و سلاحهای که گمان می رود مخفی شده باشد، کشف و ضبط گردد.

گزارشگر شهری خبرگزاری وحدت اسلامی از غرب کابل گزارش می دهد که مردم غرب کابل از اتخاذ چنین تصمیمی با نگرانی با هم گفتگو می کنند و بنظر مردم علت این تصمیم وفاداری

۸ ص

اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی تحت ریاست استاد خلیلی دبیر کل ح. و. ا. ا. تشکیل جلسه دادند

عصر روز شنبه مطابق با ۱۳۷۵/۲/۲۲ جلسه مشترک اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی، تحت ریاست استاد خلیلی دبیر کل ح. و. ا. ا. در مقر مرکزی این حزب دایر گردید.

در این جلسه که با تلاوت آیاتی از قران کریم آغاز شد ابتدا استاد خلیلی آخرین تحولات سیاسی نظامی کشور را تشریح نموده اجندای جلسه را اعلام نمود.

۸ ص

دربین شماره میخوانید
* خدا محوری یا انسان محوری؟
* ما در هزاره جات خواهان صلح و آشتی هستیم.
* استراتژی مذاکره و دفاع.

۴ ص

۴ ص

پیام تبریک به استاد سجادی عضو شورای عالی نظارت ح. و. ا. ا. به
مناسبت انتخاب استاد خلیلی به مقام دبیر کل ح. و. ا. ا.

۷ ص

دو تن از قوماندانان ح. و. ا. با سه تن از مجاهدین
شان در یک حمله تروریستی به شهادت رسیدند

۸ ص

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

شورای هماهنگی در شرایط حساس کنونی باید تصمیم مسؤولانه بگیرند

مشکل افغانستان، مشکل احزاب نیست که با پیوستن و گسستن دو حزب قضیه حل گردد. بلکه در افغانستان چگونگی شرکت مردم در ساختار سیاسی کشور است که اگر در باره آن توافق حاصل شود، می تواند حل کننده بحران کنونی باشد. افغانستان نه برای احزاب که برای مردم افغانستان است و احزاب نقش متشکل کننده خواسته های کتله های اجتماعی را دارا می باشند.

بر این اساس تصمیمی حل کننده و قاطع است که بر اساس خواستهای مشروع مردم استوار باشد. احزاب در زمانی می تواند نقش خود را ایفا نماید که حضور تمام اقشار و گروه های اجتماعی در ساخت دولت تضمین شده باشد.

شورای هماهنگی بعنوان جمع هماهنگی از گروه های مربوط به ملیت های بزرگ کشور، در (۷ ص)

حالا ما طرفدار جنگ نیستیم، طلبه ها هم که آمده اند، طرفدار جنگ نبودیم و نیستیم ولی برای مردم خود حقوق می خواهیم.

(از سخنرانی اخیر رهبر شهید)

خدا محوری یا انسان محوری؟

تابش نور روشنگری و ابتکارات علمی، سیطره سیاه حاکمیت کلیسا را که بر تمام ابعاد زندگی اروپائیان سایه گسترده بود، برچید. کلیسا به عنوان يك دستگاهی که به نمایندگی از سوی خدا هم صاحب مغز، تفکر، اندیشه و اراده بشر در دنیا بود و هم مالک بهشت آن در آخرت و پشتوانه بقای آن گیوتین، به بازسازی افکار دینی ضرورت مبرم داشت. آغازگر این حرکت نوین فکری، هر چند در ابتدای امر مذهبون روشنفکری بودند که با انحراف کلیسا به مبارزه برخاسته و برای بازسازی افکار دینی، علیه کلیسا دست به اعتراض زدند، ولی این اعتراض موجی را در سراسر اروپا ایجاد کرد و باعث يك انقلاب فکری و تحول فرهنگی در اروپا گردید که سرانجام حاکمیت کلیسا را شکست داده و ایده ها و فلسفه های جدیدی را درباره زندگی، در مقابله با دین و مذهب برای مردم اروپا به ارمغان آورد.

از آنجا که حاکمیت کلیسا به حیث نماینده خدا در زمین، تمام ابعاد زندگی انسان اروپا را فراگرفته و برای اراده انسانی در تشکیل حاکمیت و ادامه آن کمترین بهائی قائل نشده بود، طبیعی بود که تحول ایجاد شده در تضاد با اندیشه کلیسایی به يك خط فکری منجر می گردید که بر اساس آن دین، مذهب، خدا، اراده و حاکمیت خداوندی از مفاهیم پوچ و مزخرف بوده و محور قانون و حاکمیت تنها و تنها «انسان» تلقی گردد. این انسانی که در تحت حاکمیت کلیسا هویت انسانی خود را از دست داده و کمترین بهائی در برابر رب النوع های کلیسایی نداشت، بر اساس این دیدگاه، آنچنان استعداد و صلاحیت ذاتی دژد که می تواند در واری خواست و اراده خداوندی حکومت تشکیل داده، مطابق میل و خواسته های خود قوانین را وضع و به اجراء بگذارد. امیال و آرمان ملت و جامعه هرچه می خواهد باشد، در تعیین سرنوشت سیاسی اجتماعی جامعه، یگانه عنصر تعیین کننده است. به این نوع اندیشه اصطلاحاً «انسان محوری» اطلاق می شود. طرفداران این اندیشه به گروه های متعدد تقسیم شده و هر کدام بر اساس دیدو نگرش ویژه شان نسبت به انسان و جامعه، مکتب فلسفی خاصی را بوجود آورده اند که از جمله آنها فلسفه دموکراسی غربی و فلسفه حکومت پرولتری است.

در مقابله با این ایده، اندیشه دیگری به مبارزه برخاسته مبنی بر اینکه حاکمیت مطلق از آن خداوند است؛ ولی از آنجای که انسان خلیفه خدا در روی زمین است، صلاحیت حکومت و قانون گذاری در محدوده مضبوط و معین، از سوی خداوند و به نمایندگی از خدا به او واگذار شده است، بر این اساس نقش انسان و الت اراده انسانی در حکومت و قانون گذاری، در طول خواست و اراده خداوند و در حوزه تفویض خداوند مطالعه می گردد. به این نوع اندیشه که ریشه در دین دارد و از مکتب دینی الهام می گیرد، اصطلاحاً «خدا محوری» می گویند.

در اندیشه «انسان محوری» معبود حقیقی، انسان است، پاسخ گویی به امیال و خواسته های انسان، معراج واقعی این طرز تفکر محسوب می شود. خواسته های انسانی حد و مرزی ندارد تا جای که امکان تحقق دارد، باید در انجام آن تلاش شود. ولی در اندیشه «خدا محوری» معبود حقیقی خداوند است و انسان نماینده و خلیفه خدا در روی زمین، حاکمیت انسان، اراده و آزادی او، از اذن خداوند منشأ می گیرد و در طول حاکمیت خداوند مطرح می گردد.

کعبه آمال و معراج آرزوهای «انسان محوری» ارزش خشدن به انسان از طریق نفی حاکمیت خداوند و اعمال اراده انسان در حیات انسانی است. این انسانی که در تحت حاکمیت کلیسا هویت انسانی خود را از کف داده، اراده و فکر و اندیشه اش مقهور و محبوس کلیسا گشته است، گالیله صرفاً بخاطر عقائد تازه بر حش در باره زمین ناگزیر می شود خط بینی بکشد، اسپینوزا با وجود ایمان راستینش به خدا، صرف به این خاطر که می خواست خدا را به گونه دیگر بنگرد محکوم به ارتداد می شود... این انسان تحقیر شده بایست که از این زندان رهائی یابد. برخاسته ها و آرزوهای هرچه می خواهد احترام گذاشته شود. درباره هر چه می خواهد بیانید و در يك کلام هر آنچه غیر انسان است، کلیسا باشد یا خدا، باید در انسان فانی شود. ولی معراج آمال و کعبه مقصود در تفکر «خدا محوری» حاکمیت بخشیدن به اراده خداوند، جهت دادن به اراده انسان در مسیر اراده و خواست خداوند و رسیدن انسان به حقایق و مصالح علیای انسانی است. انسان با این اندیشه اول سراغ خدا می رود؛ زیرا او را خالق هستی خویش می داند و حاکم مطلق بر مطلق هستی و سپس از راهی که خدا به رویش گشوده است به سوی

مخلوق باز می گردد، به سوی انسان حرکت می کند و انگهی انسان را در شعاع نور خداوند، جهت داده به حرکت در می آورد. به کدام سوی؟ باز به سوی خداوند. آغاز حرکت و فرجام حرکت خداوند است و انسان با خود آگاهی دینی که دارد مسیر زندگی سیاسی اجتماعی خود را در محور خداوند جهت می دهد.

پیروان این اندیشه نیز به نوبه خود در دسته جات متعدد و احياناً متضادی قابل مطالعه و بررسی اند: برخی حاکمیت خداوند را توسط طیف و گروه مشخص انسانی قابل اعمال می دانند و معتقدند که این گروه مشخص به نمایندگی از سوی خداوند برای حاکمیت بر مردم مأموریت یافته اند. چنانکه کلیسا و روحانیت مذهبی مسیحی خود را نماینده بلا منازع خداوند در زمین تلقی کرده و حق حاکمیت را ویژه خود می دانستند، ولی دسته دیگر معتقدند که مجموعه گروه های انسانی با پذیرش امانت سنگین خداوندی، خلیفه خدا در روی زمین اند. به این لحاظ همه افراد جامعه، توحیدی به جانشینی از خداوند امام اند و رهبر. ولی از آنجائیکه جامعه منسجم به تمرکز رهبری ضرورت دارد، آنها ناگزیرند به جز در مواردی که بر امامت افراد معین نص قاطعی وجود دارد، يك فرد را از میان خود و از روی آگاهی و اراده جهت رهبری جامعه برگزینند و حق حاکمیت را به او بسپارند. به این ترتیب گامهای اساسی در راستای تحقق حکومت مردم بر مردم، آزادی اراده و انتخاب در محور «ذات حق» برداشته شده و از استبداد و گردش حاکمیت بر محور طیف مشخص اجتماعی جلوگیری به عمل آمده است. این دسته می گویند: همانگونه که سلب آزادی تفکر، علم و تمدن از سوی کلیسا بر خلاف تکامل انسان بود، همینطور تمدن دور از معنویت و خدا راه تکامل انسان را مسدود نموده و او را برده تحمیل، مصرف، سکس، کاپاره و... می نماید. به این لحاظ برای رسیدن به هویت انسان، هم کلیسا و نمایندگان مذهبی را باید صاحب علم و تمدن و آزادی نمود و هم تمدن، علم و آزادی را صاحب معنویت و خدا. صرف در این صورت است که انسان راه تکامل را پیموده و سمت جانشینی خود را از سوی خداوند احراز می نماید.

تقابل این دو اندیشه بصورت يك مبارزه پیگیر در جهت نفی و اثبات همتان ادامه دارد. پیروان اندیشه «انسانی محوری» طرف مقابل خود را به استبداد دینی متهم نموده و تاریخ حاکمیت سیاه کلیسا را که در واقع بردگی انسان توسط انسان بود نه حاکمیت خدا بر انسان، به رخ می کشد و نظریه پردازان نظریه «خدا محوری» سینه چاکان «انسان محوری» را به ولنگاری و پوچی متهم می کنند. بررسی فلسفی مزایا و معایب این دو طرز تفکر از حوصله این نوشته خارج است و در مجال دیگر به بحث از آن پرداخته خواهد شد ولی در يك تحلیل جامعه شناسانه می توان گفت که جامعه اروپا نه تنها به آرمانی که به خاطر آن مبارزه را آغاز نموده بودند دست نیافتند، بلکه در قطب کاملاً مخالف آن قرار گرفتند.

شکست طلسم کلیسا و برچیدن سیطره آن از جهان اروپا برخاسته از این طرز تفکر روشنگرانه بود که انسان باید به هویت خویش دست یابد. انسانی که در برابر کلیسا آنچنان مقهور و بی اراده شده است که به جز در محور خواست کلیسا چیزی را نبیند و به چیزی نیاندیشد، این انسان باید آزاد شده و به هویت انسانی خویش دست یابد. ولی فرجام این خط، آزادی کامل انسان و نیل انسان را به ارزشهای انسانی تأمین نکرد. انسان قرن بیستم هر چند درسایه این تحول آزادی اجتماعی را به آغوش کشید، ولی همانند انسان قرون وسطایی با هویت خویش و با ارزشهای انسانی خویش بیگانه است. با این تفاوت که تحمیل، زرق و برق زندگی ولنگاری جای مفاهیم با ارزش آزادی، حریت و ترقی را گرفته است. پیشرفت امروز نه تنها زیربنای نیل انسان به هویت خویش نگشت، بلکه انسان را برده تحمیل، زرق و برق و مصرف بی پایان گردانید. انسان امروز تمام آرمان و هستیش داشتن ماشین آخرین سیستم، فلان ویدیو از فلان شرکت و زندگی در آسمان خراش شده است. مصرف، شکمبارگی و شهوت پرستی آنچنان دست و پای انسان را بسته که او را از تمام ارزشها و آرمانهای دیگر فارغ کرده است. آسایش و تمدن به اشعه تبدیل شده است که انسانیت را در درون بشر خشکانده است. سکس، برهنگی مساوی با تمدن شده و انسان بی خدای را در خدمت بازار پر فروش برهنگی و سکس کشانده است. این روند، نهایت سقوط و بردگی انسانی را در برابر شهوت، شکم و پایین تنه به ظهور و ثبوت می رساند. قابل یاد آوری است که

فرهنگ مذکور تنها غرب را به بند نکشید بلکه با گسترش و اشاعه آن در کشورهای اسلامی، مسلمین را به شکل بدتر و رسوا کننده تر به اسارت بردگی کشیده که بررسی آن مجال دیگری لازم دارد.

بن بست کنونی غرب از لحاظ رسیدن آن به پوچی، جایگزینی بینش شهوت، سکس، برهنگی، ولنگاری و مصرف به جای ارزشهای انسانی، محور قرار گرفتن تکنولوژی، ماشین، تولید و... به جای انسان فلسفه های متعدد و متضادی را به ارمغان آورده است که یکی از آنها فلسفه پوچی و عبثیت زندگی است و هر روز دهها قربانی را که معلول خود کشی است از جامعه غرب می گیرد.

یکی از ویژگی های مادی این است که انسان به آنچه ندارد شوق و عشق می ورزد و رسیدن به آن بخشی از زندگی فکری او را به خود مشغول می کند ولی به مجرد رسیدن و چند روز با آن سپری کردن، ملالت را به بارمی آورد و انسان از آنچه که قبلاً برای رسیدن به آن عشق می ورزید خسته و دلزده می شود. انسانی که در جامعه غرب به منتهای خواسته ها و آرزو های مادی خویش رسیده است طبیعتاً زندگی برای او ملال آور می شود و بعد از چند روز ملالت به هیچ و پوچ بدل می شود، ادامه زندگی پوچ و عبث برای آن شخص مشکل می گردد و تنها يك راه در پس منظر زندگی برای خود می بیند و آن خاقه دادن به زندگی از راه خود کشی است. از همین جا است که ضرورت يك تحول در فرهنگ غرب احساس می شود و جمعی از دانشمندان و انسان دوستان غربی به ستوه آمده، به این باور می رسند که باید انسان و جامعه غربی را از حاکمیت نظامی که هستی و آرمانش را داشتن آسمانخراشها، ماشین آخرین سیستم، همخوابگی با هم جنس و... تشکیل می دهد، بیرون کشید و او را به خوشنخت خویش باز گرداند.

کندی فریاد می زند: واقعاً که نسل جوان در آمریکا در مایع فساد حل گشته و به ورشکستگی اخلاقی افتاده، به دزدی و خوشگذرانی گرفتار شده، در دریای شهوت فرو رفته و نزدیک است که غرق شود، بطوریکه از هر هفت جوان که به خدمت سربازی احضار می شوند، در اثر افراط در شهوترانی شش نفر شان صلاحیت خود را از دست داده و هشدار داد که این نسل جوان بلای بسیار خطرناکی است برای آینده نزدیک آمریکا و از دانشمندان و اصلاح جویان اجتماعی استمداد خواست که برای جلوگیری از این خطر به گفتگو پردازند و راه علاجی پیدا کنند (۱)

الکسیس کارل می گوید: ما قوم بدی هستیم، ماملت چموشی هستیم؛ زیرا اخلاق ماسقوت کرده و عقل ما بطوفان تصور گرفتار گردیده. واقعاً آن ملتها و جماعتها که در این تمدن به اوج اعلا رسیده اند... چون نیک بنگری در حقیقت ملتها و جماعتهای هستند که به خط اول سقوط رسیده اند و به اولین خط ناتوانی قدم نهاده اند، زود است که به وادی وحشیت و بربریت برسند و بطوفان هرج و مرج گرفتار شوند و در مسابقه ورشکستگی گوی سبقت را از همگان بریابند اما هنوز مغرورند و سرمست از پاده جاه و مقام... زود است که درک کنند (۲)

آنان به این نکته باور مند می شوند که شکست این سنت مبتذل و فارغ کردن آسایش زندگی از عبثیت و پوچیت، تنها در سایه ایمان به خدا و گرایش به ارزشهای معنوی امکان پذیر است. چون هم به آسایش تمدن ضرورت دارد و هم به خدا. آسایش و تمدن بدون خدا پوچیت و عبثیت را به ارمغان می آورد. باید به علم و تکنولوژی و آزادی روحانیتی ببخشیم که رابطه انسان را با خدایش بر قرار نموده و استحکام بخشد. با تابش نور الهی زندگی انسان از تاریکی و سیاهی به سوی نور کشانده می شود. با حضور خدا در زندگی انسان کرامت و هویت انسانی انسان تثبیت می شود و انسان خود را در برابر شهوت و شکم، تحمیل و مصرف و درزیر آسمانخراش قرن بیست کوچک و حقیر نکرده و نمی بازد.

از مشهور ترین دانشمندان اروپا ستاره شناس نامی «جیمس جینز» است که زندگی خود را با شك و تردید آغاز نمود و سپس از راه بحث و تحقیق به این نتیجه رسید که مشکلات بزرگ علم آسان نخواهد شد مگر با وجود خدای بزرگ. همچنین نویسنده مشهور «سامراست موام» می گوید: امروز اروپا خدای خود را بدور انداخت و از نو به خدای نو پدید می آید. آن معبود تازه کار علم است. اما متأسفانه علم يك موجود اضطراب آمیز است، دائم دستخوش انقلاب بوده، آنچه را که دیروز نفی کرده امروز اثباتش می کند و آنچه را که امروز اثبات کند، فردا نفی خواهد کرد و به همین جهت بندگان و پرستندگان را دائم در حال تشویش و اضطراب می بینی و هرگز آرامش ندارند. (۳)

با این بیان مفاهیم اجمالی «خدا محوری» و «انسان محوری» زمینه پیدایش و رشد اندیشه «انسان محوری» و عواقب آن به نحو اجمالی روشن گردید. ولی منتق شدن بیشتر مفهوم «خدا محوری» و زمینه پیدایش آن مجال بیشتری را برای بحث می طلبد.

متن مصاحبه، محترم دکتر طالب عضو شورای مرکزی و سخنگوی ج.و.ا.ا و شورای عالی هماهنگی

* همانطوریکه خوانندگان عزیز در جریان هستند اخیراً انکشافات عمیقی در صحنه سیاسی کشور ما روفا گردیده و در مواردی هم تبلیغات و شایعات گمراه کننده ای در جریان است تا اذهان را نسبت به قضایای کشور مغشوش سازند.

* لهذا برآن شدیم که غرض روشن شدن قضایا و نظرات حزب وحدت اسلامی، با محترم دکتر طالب عضو شورای مرکزی و سخنگوی حزب وحدت اسلامی و شورای عالی هماهنگی، مصاحبه ای انجام بدهیم. با تشکر از اینکه در خواست ما پذیرفته شد و اینک متن مصاحبه تقدیم حضور خوانندگان عزیز می گردد.

خواستند در هزاره جات تشویشهای ایجاد کنند و نا امنی هایی را بوجود آورند تا بدینوسیله هم ذهنیت مردم ما را مشغول نمایند و هم ذهنیت مسئولین حزب را، و پس از آن عملیات نیروهای نظامی اداره کابل در جبهه، شیخ علی آغاز گردد، ما یقین کامل داریم که حزب وحدت به حد کافی نیروی انسانی و نظامی برای مقابله دارد. ما هیچ مشکل نداریم جز اینکه ملحوظات رعایت زندگی مردم ما را به تأنی و احتیاط در عمل واداشته است. در غیر آن صورت ما نیروی کافی برای جلوگیری از این گونه تحولات نه تنها در هزاره جات داریم بلکه آمادگی کامل در جبهه شیخ علی هم داریم. حزب وحدت اسلامی تا کنون بر بازوان توانمند مردم خود راه رفته و پیش رفته. این نقطه قوت حزب وحدت بوده که باعث شده حزب وحدت در حوادث دشوار راهش را ادامه دهد. هدف از این تبلیغات که حزب وحدت از نیروهای دیگران استفاده کرده، جز مغشوش کردن ذهنیت ها چیزی دیگری نیست. متأسفانه رسانه های خبری ایران در این رابطه بیش از حد تبلیغات غیر واقعی انجام داده که این تبلیغات از يك طرف غیر واقعی و بی اساس است و از طرف دیگر کاملاً يك جانبه و علیه حزب وحدت و به نفع عده معامله گر و خائن صورت گرفته است. این تبلیغات طوری بوده که خواسته تحولاتی را که این مجموعه خائن حتی بعد از تعهد به عدم جنگ در هزاره جات راه انداخته اند توجیه کند و جنگ افروزان را تبریته نماید. مردم ما شدیداً از این تبلیغات ناراحت و متأثرند در صورتی که این تبلیغات ادامه پیدا کند اثرات منفی زیادی در پی خواهد داشت. امید و آرزوی ما این است که رسانه های خبری بنابر تعهد و رسالت حرفی و اسلامی واقعیت ها را منعکس کنند.

امروز ما: همانگونه که خود در جریان هستید بین حزب وحدت اسلامی و گروه طالبان در این اواخر مذاکراتی در داخل صورت گرفته است در رسانه های خبری به نقل قول از طالبان این گونه وانمود شده است که حزب وحدت در این مذاکرات متعهد شده که سلاحهای خود و هزاره جات را تسلیم طالبان نمایند. بفرمائید که این مذاکره برچه مبنای صورت پذیرفته و تبلیغات طالبان برچه پایه و اساسی استوار است؟

دکتر طالب: در اینجا دو مطلب نیاز به توجه و دقت دارد: اول اینکه بین حزب وحدت و طالبان مشکلات بزرگی وجود داشت و تا کنون وجود دارد. استاد مزاری در دست طالبان به شهادت رسید که این مسئله بزرگی برای مردم ما و حزب وحدت است. دوم اینکه وقتی حزب وحدت می خواهد به حیث يك جریان سیاسی در افغانستان زندگی کند، ناگزیر است که با اطراف درگیر در افغانستان مذاکره نماید. مبنای ما بر این است که از طریق مذاکره با طالبان در قدم اول مشکل حزب را با طالبان که شهادت استاد مزاری است حل کنیم. ما می خواهیم که بصورت عملی در باره شهادت استاد مزاری تحقیقاتی صورت گیرد و عوامل قتل استاد مزاری شناسائی گردد. و این چیزی است که بارها طالبان وعده آن را داده اند. در قدم دوم ما علاقمند هستیم که در صورت تقابل طالبان نظرات حزب وحدت را در رابطه با اوضاع جاری کشور و سرنوشت آینده کشور مطرح کنیم و نظریات آنها را نیز بشنویم. حزب وحدت همیشه معتقد بوده که مشکل کشور را از طریق مذاکره حل نماید چون جنگ راه حل قضیه نیست. در مورد شایعات مبنی بر تسلیم دهی اسلحه و هزاره جات به طالبان عرض کنم که بحث تسلیم اسلحه و تسلیم هزاره جات اصلاً مطرح نیست و من شخصاً در مورد صحت این گزارش تردید دارم که طالبان چنین ادعای را کرده باشند. ما یقین داریم که اگر اینگونه ادعا ها صورت گیرد از حسن نیت حزب وحدت برای مذاکره و تفاهم سؤ استفاده تبلیغاتی شود، این جریان، فضا را تیره تر می کند و به نفع مردم و کشور نخواهد بود. تأکید می کنم که بحث تسلیم دهی اسلحه و هزاره جات برای طالبان اصلاً در مذاکرات مطرح نبوده و مبنای ما در مذاکره همان دو چیزی است که گفتیم ■

کودتای ۲۳ سنبله را سامان دادند. شما بفرمائید که منظور این جریان از اینگونه اقدامات جنگی چیست؟
دکتر طالب: ماعقیده داریم که تحولاتی که در هر منطقه علیه حزب وحدت صورت می گیرد، ابعاد وسیع تر از این دارد که ما آن را به يك عده خیانت پیشه و معامله گر محدود کنیم. به نظر ما آنها جاده صاف کن برای حرکت های استراتژیک دیگران در هزاره جات و نواحی تحت کنترل حزب وحدت است. تصمیم گیرنده اصلی اداره کابل است. متأسفانه تجربه ما از سیاست های گذشته اداره کابل این است که تمام پروگرام هایش برای حفظ قدرت و ادامه حاکمیت نا مشروع شان در کابل است. و در شرایط فعلی که بصورت بسیار وسیع تبلیغات می کنند که ما پروسه مذاکره را با احزاب دیگر شروع کرده ایم، عقیده ما این است که آنها در رابطه با هزاره جات و حزب وحدت بر خلاف پروسه مذاکره برنامه جنگی را روی دست دارند و در پیش گرفته اند. اخیراً يك سری تحولات در نقاط مختلف هزاره جات، در ارزگان، غور، بامیان و غزنی، با پول و امکانات اداره کابل شروع شده و تشویشهای را ایجاد کرده است. همانگونه که شما گفتید تثبیت رهبری یکی از عواملی است که باعث شده است آنها دیوانه وار در منطقه عملیات جنگی را سازمان بدهند به علاوه برداشت ما این است که این تحولات به این منظور انجام می گیرد که توجه نیروهای حزب وحدت را در مناطق مختلف هزاره جات معطوف کنند، تا مسعود و ربانی عملیات اصلی جنگی را در جبهه شیخ علی و ترکمن علیه حزب وحدت شروع نمایند. اخیراً گزارشهای داشتیم مبنی بر اینکه اداره کابل نیروهای زیادی را در آنجا متمرکز کرده اند و در گیری های پراکنده ای هم وجود دارد. هدف اصلی این است که ما در هزاره جات مصروف شویم تا عملیات آنها در جبهه شیخ علی و ترکمن مؤثر واقع شود. این قضیه در زمانی صورت می گیرد که اداره کابل وسیعاً تبلیغات می کند که به مذاکرات با شورای هماهنگی بطور جدی اقدام کرده و پیشرفتهای هم صورت گرفته است. به این لحاظ ما به تحولات سیاسی اداره کابل به دیده تردید نگاه می کنیم و این تحولات را برای تثبیت حاکمیت شان در کابل می دانیم. به نظر ما تحولات جاری در هزاره جات و تحولات دولت در جبهه شیخ علی جزء از يك پلان بزرگی است که بعضی از دست های خارجی هم در آن دخیل است.

امروز ما: به نظر می رسد که همراه با این تحولات نظامی، يك تهاجم تبلیغاتی نیز برای بدنام کردن حزب وحدت اسلامی آغاز گردیده متأسفانه رسانه های جمعی جمهوری اسلامی ایران نیز در این تبلیغات سهم عمده دارند. آنها چنین وانمود می کنند که حزب وحدت اسلامی برای کوییدن رقبای خود در هزاره جات از نیروهای طالبان استفاده می نماید. یقیناً این تبلیغات جز دروغ اساس دیگری ندارد. بفرمایید که منظور از اینگونه تبلیغات بخصوص از سوی رسانه های جمهوری اسلامی ایران چه می تواند باشد؟

دکتر طالب: من قبلاً گفتم که يك عده محدودی که با پول ربانی امرار زندگی می کنند،

امروز ما: چندی قبل هیئتی از سوی شورای هماهنگی جهت مذاکره با انجینیر حکمتیار به لغمان رفته بودند. طوری که شنیده می شود این هیئت در نظر دارد با تمام رهبران گروههای شامل در شورای هماهنگی مذاکره داشته باشند. بفرمائید که منظور از این مذاکرات چیست؟

دکتر طالب: شورای هماهنگی همیشه روی يك اصل اساسی که عبارت از مذاکره با تمام اطراف در گیر در قضیه افغانستان است، تکیه و تأکید کرده است. علاوه برآن مصوبه دیگری هم داشته ایم مبنی بر اینکه هر عضوی از اعضای شورای هماهنگی می تواند با اطراف درگیر در قضایای افغانستان نشست و مذاکره نماید ولی فیصله نهائی با شورای هماهنگی است. به همین لحاظ هر يك از اعضای شورای هماهنگی بطور جداگانه با اطراف درگیر در قضایای افغانستان مذاکراتی داشته اند. اخیراً مذاکرات برادران حزب اسلامی با اداره کابل به نتایج مورد نظر طرفین رسیده بود. به این خاطر مسئولین حزب اسلامی آن را در شورای هماهنگی مطرح نمودند تا نظرات و تصمیم آن ها را نیز بگیرند. شورای هماهنگی تصمیم شان بر این شد که با تمامی رهبران گروههای عضو در شورای هماهنگی مذاکراتی انجام داده تا با در نظر داشت نظریات آنها پالیسی مشترک را انتخاب نمایند. به تعقیب این تصمیم به لغمان رفتیم و با انجینیر حکمتیار صحبت نمودیم. در صحبت های ایشان مشخص بود که مذاکرات حزب با اداره کابل پیشرفت زیادی داشته و برادران حزب اسلامی در ارتباط با تفاهم با دولت منتظر تصمیم شورای هماهنگی اند. بعد از دریافت نظریات حکمتیار با حضرت صاحب مجددی رئیس شورای هماهنگی مذاکره داشتیم و نظریات ایشان را جویا شدیم و در نظر داریم که طی يك سفری در داخل کشور با جنرال دوستم رئیس جنبش شمال و آقای خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی مذاکراتی را انجام دهیم. تا با در نظر داشت نظریات آنها سیاست مشترک را اتخاذ نموده و به راه حل مطلوب برسیم.

امروز ما: شنیده می شود که حزب اسلامی در مورد تقسیم وزارت خانه ها و پست های دولتی با اداره کابل به توافق رسیده و تعدادی از نیروهای نظامی آنها در این اواخر وارد کابل شده اند. آیا با توجه به مصوبه شورای هماهنگی، این موضوع از حیطة صلاحیت حزب اسلامی خارج نبوده است؟
دکتر طالب: آنچه که برای ما اعتبار دارد گزارش نمایندگان حزب اسلامی در شورای هماهنگی و اظهارات حکمتیار است. بر اساس اطلاعاتی که از سوی آنها در اختیار ما قرار گرفته است تا کنون هیچ موافقه صورت نگرفته و نیروهای حزب اسلامی وارد کابل نشده اند، این برای ما اعتبار دارد. طبیعی است که مذاکرات پیشرفتهای زیادی داشته و مطالب عمده مورد بحث طرفین بوده است. به این خاطر مسئولین حزب اسلامی از شورای هماهنگی می خواهند که فیصله در این موارد صادر نماید. باور ما این است که حزب اسلامی منتظر فیصله شورای هماهنگی است و شورای هماهنگی بعد از مذاکره با رهبران فیصله صادر خواهد کرد.

امروز ما: در مورد اظهارات شاهدان عینی که می گویند نیروهای حزب اسلامی وارد کابل شده اند، چه می فرمائید؟

دکتر طالب: قبلاً عرض کردم که برای ما اظهارات رسمی حزب و اظهارات آقای حکمتیار مبنی بر اینکه هیچ توافقی صورت نگرفته و نیروهای حزب وارد کابل نشده اند، اعتبار دارد و ما روی آن اطمینان داریم.

امروز ما: از روزنامه ها و تحلیلاتی که در مورد مذاکرات حزب اسلامی با اداره کابل صورت می گیرد چنین استنباط می شود که حزب اسلامی راهی را که انتخاب کرده برگشت ناپذیر است و به احتمال قوی حزب به تنهایی این راه را خواهد پیمود، در آن صورت سرنوشت شورای هماهنگی چه خواهد شد؟

دکتر طالب: قبلاً گفتیم که مسئولین حزب اسلامی مکرر گفته اند که ما بدون فیصله شورای هماهنگی در این راستا اقدامی نمی کنیم و منتظر فیصله شورای هماهنگی می مانیم. بر فرض که حزب اسلامی به تنهایی این راه را بپیماید، شورای هماهنگی مواجه با وضعیت جدید خواهد شد. البته اگر با چنین شرائطی مواجه شویم که انتظار آن را نداریم، در فرصتی که پیش می آید با بررسی جواب این قضیه و عوارض آن، طبیعی است که شورای هماهنگی فیصله در این مورد خواهد داشت.

امروز ما: شنیده می شود که حضرت صاحب مجددی از مذاکرات حزب با اداره کابل ناخوشنود است و این نارضایتی در برخی از مطبوعات هم ابراز گردیده است. آیا موضع حضرت صاحب بعنوان رئیس شورای عالی هماهنگی منعکس کننده موضع شورای هماهنگی نیست؟

دکتر طالب: من بر این باور نیستم که حضرت صاحب مجددی از این مذاکرات نا راضی باشد زیرا همانگونه که گفتیم مصوبه داریم که مطابق آن هر یکی از اعضای شورای هماهنگی می تواند با اطراف درگیر در قضایای افغانستان مذاکره نماید. ولی اهمیت مسئله و تبلیغات که در این مورد صورت گرفته حساسیت بر انگیز بوده است. ما با در نظر داشت حساسیت همین مسئله بود که نظرات انجینیر صاحب حکمتیار و حضرت صاحب مجددی را گرفته ایم و در نظر داریم که نظرات جنرال دوستم و آقای خلیلی را نیز بگیریم، تا در روشنی نظرات آنها به يك پالیسی برسیم. آن وقت فیصله مشترک را که نظریات همه را منعکس کند تدوین خواهیم کرد.

امروز ما: تحولات جدیدی از سوی جریان خیانت و معامله در هزاره جات با پشتیبانی وسیع اداره کابل شروع شده است. این تحریکات درست بعد از تثبیت موقعیت رهبری در تعیینات سال ۱۳۷۵ صورت می گیرد. به نظر می رسد که اینگونه تشنج آفرینی ها در هزاره جات ارتباط تنگاتنگی با تثبیت رهبری در حزب وحدت داشته باشد همانگونه که در کابل بعد از تثبیت رهبری،

استراتژی مذاکره و دفاع

از: ع. ب

کند و توازن روابط اجتماعی را به نفع آنها سنگین می کند، ولی روابطی که تکیه گاه آن زور و قدرت است، پرورش دهنده خصومت و دشمنی در بطن خود بوده و به زود ترین فرصت مانند آتش زیر خاکستر شعله می کشد و بساط این روابط را بر می چیند.

کاربرد مذاکره و دیالوگ زمانی از اهمیت ویژه برخوردار می شود که روابط اجتماعی ملیتها به سوی خصومت و دشمنی پیش رود و صداقت و اخلاص، برادری و برابری، جای خود را به عداوت و دشمنی بسپارد. در حالی که چهره خونین جنگ در این شرایط از دور خود غائی می کند، آغازین گام و ویرانگرین راه برای جلوگیری از خصومت های اجتماعی مذاکره است و جنگ آخرین راه برای رسیدن به خواسته ها تلقی می گردد. ولی تجربه های مکرر تاریخی نشان می دهد که هر جنگی در بطن خود زمینه ساز مذاکرات اطراف

یکی از اساسی ترین اصل سیاسی در روابط سیاسی اجتماعی جوامع، اصل مذاکره است. مذاکره عبارت است از گفت و شنود برای برقراری روابط یا رفع خصومت بین کتله های مختلف اجتماعی. ترمینولوژی «مذاکره» از آنجا در ردیف اصطلاحات سیاسی اجتماعی وارد گردید که علوم سیاسی اجتماعی، حقوقی و ... علوم روابط انسانها هستند و مذاکره در این راستا نقش کلیدی را ایفا می نماید؛ زیرا مذاکره زمینه ساز تفاهم است، تفاهم بوجود آورنده روابط سیاسی اجتماعی و صداقت در روابط، پشتوانه قوی برای ادامه و استحکام آن است. روابط سیاسی اجتماعی از ضرورت های اجتماعی نشأت می گیرد. از دیدگاه جامعه شناسی انسان در عین حالی که فطرتاً اجتماعی است و میل به سوی جامعه در ذات و در خیره وجودش نهفته است،

ضرورت های زندگی نیز کشش و تقابل او را به سوی هموعش تقویت بخشیده است. نیازمندی های افراد در زندگی آنچنان فراوان است که به تنهایی نمی تواند بارسنگین آن را به دوش بکشد. خشونت طبیعت، جانوران وحشی که یکی از لقمه های لذیذ شان گوشت و خون انسان است و سایر عوامل طبیعی، زمینه زندگی انفرادی را برای بشر تنگ و محدود می نمایند، به این لحاظ افراد انسانی بر اساس تفاهم، گروه های انسانی را تشکیل داده و با برقراری روابط اجتماعی،

جامعه انسانی را بنیان می گذارند. با گذشت زمان بر وسعت جامعه افزوده شده و روابط سازمان یافته تر اجتماعی را ایجاد می نماید. جهت انسجام هرچه بیشتر روابط اجتماعی و کنترل روابط اجتماعی در چوکات منظم و منسجم، دولت بوجود می آید. دولت هماهنگ کننده روابط اجتماعی کتله های مختلف جامعه است که بر محور آرمان و خواسته های مشترک آنها پدید می آید. به موازات زمان، نیازمندی ها و ضرورت های اجتماعی گسترش یافته و روابط بین المللی را در ابعاد مختلف ایجاد می نماید. پیشرفت صنعت و تکنولوژی، افزایش وسائل ارتباطی، به این روابط سرعت بخشیده و ابعاد تازه ای به آن می دهد. این روابط از کجا بوجود آمده اند؟ چه علت و یا عواملی تحقق آن را زمینه سازی کرده اند؟ نیازمندی ها و ضرورت های اجتماعی زیربنای اصلی این روابط و هماهنگی ها است ولی دیالوگ و مذاکره یگانه عاملی است که راه را به سوی آن روابط هموار می کند. استفاده از زور هر چند در بعض موارد نتیجه دل خواه زور مداران جنگ طلب را تأمین می

متأسفانه در تاریخ سیاسی کشورما، انحصار قدرت به

مثابه يك فرهنگ سیاسی پذیرفته شده است که ریشه دريك

صد سال پیش دارد. جنگ های خونین اجتماعی، خصومت

های ملی، کله منارها و سایر عوارض طبیعی آن، محصول

همین فرهنگ سیاسی است که تا هنوز در عمق باورهای

بعضی از احزاب و شخصیتها ریشه دارد.

درگیر بوده و به حل بحران از طریق دیالوگ و مذاکره منتهی شده است. جنگ های عراق علیه ایران، جنگ های عراق علیه کویت، جنگ های بوسنی ... بهترین گواه بر تصدیق این باور است، افکار بین المللی نیز با حل مسألت آمیز بحران های اجتماعی و بین المللی از طریق مذاکره، مساعد و دمساز بوده و استفاده از جنگ و قدرت به حیث يك پدیده شوم در ذهنیت عمومی تبارز پیدا کرده است. به این جهت اعلامیه های سازمان ملل متحد، کنوانسیونها و کنفرانس های صلح و امنیت جهانی و مقابله نامه های متعدد، حل مسألت آمیز بحران ها را چه در سطح يك کشور و چه در سطح کشور ها توصیه و تأکید کرده اند. سازمان ملل متحد یکی از نهاد های بین المللی است که محصول مذاکرات پیگیر سران کشور های جهان در کنفرانس صلح یالتا است، جلوگیری از جنگ و خشونت و حل مسألت آمیز بحران های بین المللی و داخلی کشور ها از طریق مذاکره و گفتگو یکی از مأموریت های آن بوده و در این راستا گام های عملی برداشته است. افغانستان یکی از کشور های

ما در هزاره جات خواهان صلح و آشتی هستیم

حکومت تشکیل داده ایم و مزاری رهبر در بیخ گوش این حکومت (انحصاری) يك خطر جدی است. این مردم یاغی و خود سرند که مزاری رهبر می گویند. کی به این ها این اجازه را داده که خود رهبر تعیین نمایند؟ به این صورت هر دو جریان انحصار و خیانت به نابودی رهبری جامعه هزاره و انتقام کشی از مردم (به جرم مزاری رهبر) تصمیم مشترك اتخاذ می کنند.

در ۲۳ سنبله ۱۳۷۳ می خواستند از طریق کودتا نیت شوم شان را عملی کنند اما بیداری پیر خردمند، رهبر شهید خلق های محروم و حضور آگاهانه مردم در صحنه، چشم فتنه را در آورد. نقشه ها خنثی گردید و سرمایه گذاری های مسعود - ربانی به آب رفت. در پی آن، آتش انتقام از زمین و هوا بالای مردم غرب کابل، باریدن گرفت. مردم هزاره غرب کابل، در سموچ خانه هایشان مقاومت کردند و هرگز حاضر نشدند که فریاد مزاری رهبر از لب هایشان فروافتد.

فریاد مزاری رهبر از يك سو بر سرخانیان و معامله گران، گرد حقارت می ریخت و از سوی دیگر بر دل بدخواهان و دشمنان، تخم کینه می کاشت. تا اینکه عقده حقارت و کینه بار دیگر در روز پنجم عید سعید که هنوز لبخند عید دامنش را جمع نکرده بود، به

ص ۵

است که هیئت های متعدد سازمان ملل متحد را جهت حل بحران پذیرا شده است.

امروز افغانسان مواجه با يك جنگ اجتماعی است که بر خلاف توقع قوس صعودی خویش را پیموده و روابط اجتماعی ملیتها را در کشورما به خصومت و دشمنی کشانده است. باگذشت هر روز جنگ نه تنها شدید تر می شود، بلکه مداخلات خارجی ابعاد تازه، نیز بدان بخشیده و کشور را به صحنه رقابت قطب های نوین منطقوی و جهانی تبدیل کرده است. حمله بر مردم بی گناه، قتل عام و اختطاف افراد غیر مسلح، تبدیل شدن مجاهد به جلاد، خیانت به شریعت و قرآن، مرگ باور های انسانی، بی اعتقادی به ارزشها، رشد مفکوره های انتقامجویانه نژادی، نابود شدن ارزشهای اخلاقی و اجتماعی، عدم پذیرش حقوق انسانی، سیاسی و اجتماعی ملیت ها، بازی با پاکترین ارزشهای دینی و اعتقادی، بردگی برای اجانب غرض دریافت پشتوانه اقتصادی برای جنگ و ... از ویژگی های بارز این جنگ است. این ویژگی ها بیانگر اهداف سیاست های است که صرفاً با اندیشه های تبعیضی و نژادی برای ریشه کن کردن جوامع تطابق و سازگاری دارد. بابررسی و مطالعه بحران جنگ در می یابیم که یگانه زیربنای این بحران، عنصر انحصار قدرت سیاسی است و خصومت های نژادی و قومی، تفکر برتری های ملی، یگانه توجیه برای انحصار قدرت سیاسی در دست يك قوم به شمار می رود.

متأسفانه در تاریخ سیاسی کشورما، انحصار قدرت به مثابه يك فرهنگ سیاسی پذیرفته شده است که ریشه دريك صد سال پیش دارد. جنگ های خونین اجتماعی، خصومت های ملی، کله منارها و سایر عوارض طبیعی آن، محصول همین فرهنگ سیاسی است که تا هنوز در عمق باورهای بعضی از احزاب و شخصیتها ریشه دارد. ربانی، مسعود و سیاف باین طرز تفکر حاکمیت کشور را تصاحب نموده و به حیث وارث عبدالرحمن انحصار قدرت سیاسی را به بهای حق و خون يك ملت می طلبند. حاکمیت سه سآله آنان اهداف، سیاستها و خواسته های را به نمایش می کشد که جز با ریختن خون ملت و تکیه زدن بر تل اجساد نیم سوخته و بی جان نوجوانان، کودکان و زنان، اشباع نمی شود. ولی جنگ افروزان انحصار طلب باید بدانند که تفکرات و سیاست های انحصار طلبانه تنها زمانی به پیروزی می رسد که ملت ها در غفلت باشند و در سایه این غفلت، نگران سرنوشت سیاسی اجتماعی خویش نباشند. پیروزی سیاست های فوق در تاریخ گذشته کشور ما در شرایطی انجام گرفت که سطح شعور سیاسی اجتماعی مردم ما در حد صفر سقوط کرده و شاه به مثابه ظل الله «سایه خدا» پذیرفته شده بود، ولی در شرایطی که آگاهی، ملت را به میدان مبارزات سیاسی اجتماعی کشانده و عدالت سیاسی اجتماعی به یگانه آرمان ملت تبدیل شود، چاره ای جز تحول در حاکمیت در راستای حضور نمایندگان سیاسی ملت و پذیرش آرمانها، نیست. و ادامه خصومت های نژادی در سایه انحصار قدرت و میله های آتشین توپ و تانک، جز تشدید مناسبات خونین اجتماعی، گسستن روابط و تجزیه اجتماعی بازده دیگری نخواهد داشت.

مگر زمان آن نرسیده است که دیگر تعصبات نژادی و قبیله ای را کنار گذاشته و با نشستن دور میز مذاکره مناسبات اجتماعی خویش را در سایه عدالت سیاسی اجتماعی پیوند زنیم؟ مگر تجربه تاریخ کشور های جهان، سرگذشت جنگ های لبنان، بوسنی و ... برای ما این شعور سیاسی را نداده است که برای حل بحران کشور به جای تکیه بر آتش و خون پشت میز مذاکره را برگزیده و از طریق دیالوگ بین الافغانی به این بحران خاتمه بدهیم؟

آری در شرایطی که عدالت سیاسی اجتماعی به یگانه آرمان ملت تبدیل شده و تپای خون آن را بدرقه خواهند کرد و در زمانی که توزیع قدرت در میان اقشار مختلف ملت و موازنه آن، کاربرد جنگ های انحصاری را خنثی کرده است، استراتژی مذاکره و رسیدن به تفاهم از آن طریق، یگانه راه حل بحران کشور خواهد بود. به این لحاظ حزب وحدت اسلامی چه در زمان قیادت رهبر شهید استاد مزاری و چه در زمان رهبری استاد خلیلی، اصل مذاکره و دیالوگ را به حیث يك استراتژی سیاسی برگزیده است و با استفاده از این استراتژی بوده است که از تشدید مناسبات اجتماعی بین اقوام پشتون و هزاره، از يك و پشتون جلوگیری کرده است. مذاکرات حزب وحدت ۶

پیامهای...

پیام تبریک

بسمه تعالی

به مقام محترم رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان! السلام علیکم!

با تقدیم احترام، انتخاب مجدد جنابعالی را به عنوان دبیر کل ح.و.ا.ا، صمیمانه تبریک عرض می نمایم و از شورای عالی نظارت و مرکزی که با انتخاب شایسته خود، شخصیت دلسوز، آگاه، متعهد، یار و همسنگر استاد شهید مزاری بزرگ را بار دیگر به مقام رهبری برگزیدند، تشکر و سپاس گذاری نموده، از خداوند منان استدعا می نمایم که حضرت عالی را در جهت احقاق حقوق مردم رنجیده ما، طول عمر عنایت فرماید.

در پایان به غایندگی از مردم همیشه در صحنه یکاولنگ، پشتیبانی قاطع خود را از حزب وحدت اسلامی و رهبری خردمندانه جنابعالی، اعلام می دارم و تا آخرین لحظه حیات از آرمانهای برحق حزب و خط خونین رهبر شهید، دفاع خواهیم کرد. والسلام (کریلایی علی یار قوماندان عمومی قرارگاه خاتم الانبیا.)

پیام تبریک

بسمه تعالی

رهبر محبوب، یار دیرین و میراث دار بزرگ رهبر شهید(ره) استاد خلیلی!

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

تصمیم بجا و شایسته شورای عالی نظارت ح.و.ا.ا، مبنی بر انتخاب شخصیت صادق و دلسوز به رهبری سیاسی مردم ما، تمام نقشه های بدخواهان و خائنین را نقش بر آب ساخته، حساسیت، بیداری و خود آگاهی ملی و سیاسی مردم همیشه در صحنه مارا، به غایش گذاشت.

ما مردم، مسؤولین و مجاهدین مالستان، انتخاب بجا و شایسته شما را به این مقام تبریک عرض نموده، توفیقات مزید جنابعالی را در راه دفاع از حريم مردم سريلند هزاره از خداوند متعال آرزومنديم. باور داريم همانطوري که زحمات و تلاش يك سال گذشته شما در امر رهبري سياسي مردم ما، در شرايط بحراني و پر تلاطم، عظمت و هويت مردم ما را تثبيت نمود، بعد از اين هم سعادت و سريلندي مردم خود را در سايه رهبري خردمندانه حضرتتعالی می دانيم. اجازه دهيد که بدین وسيله پشتیبانی قاطع مردم، مجاهدین و مسؤولین مالستان را، از حسن انتخاب شورای عالی نظارت و مرکزی ابراز داشته، اعلام مینماییم که برای هر نوع فداکاری و ایثار تحت زعامت شما آماده ایم.

والسلام

مردم، مسؤولین و مجاهدین مالستان

۱۳۷۵/۲/۱۳

پیام تبریک

بسمه تعالی

ما اهالی ولسوالی شیخ علی و همه مسؤولین، مجاهدین، روشنفکران و محصلین، بهترین و صمیمانه ترین تبریکات خویش را به مناسبت انتخاب بجا و شایسته استاد خلیلی به مقام دبیر کلی ح.و.ا.ا، و رهبری مردم ستمکشیده ما، خدمت تمام مسؤولین، اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی و ملت قهرمان و حماسه آفرین، عرض نموده، برای رهبر محبوب طول عمر و توفیقات و برای مردم عذاب کشیده خود، سعادت جاودانی، آرزو می نماییم.

شورای عالی نظارت و مرکزی با انتخاب حضرت استاد خلیلی بحیث محوری حرکت حق طلبانه و عدالتخواهانه مردم، در عین حالیکه قدرشناسی خود را از خدمات ارزنده ابراز می دارد، درایت، کفایت و قاطعیت خود را در خدمت به مردم و جامعه رنجیده ما، به اثبات می رساند. تقاضای ما از مسؤولین این است که در تداوم خط خونین رهبر شهید تحت رهبری خردمندانه استاد خلیلی، همچون گذشته در تحقق اهداف و آرمانهای رهبر شهید و تثبیت هويت و عظمت مردم ما، استوار باشند و رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان را یاری رسانند تا این کشتی طوفان زده را به ساحل نجات رهنمون سازند.

مردم، مسؤولین، روشنفکران و محصلین

ولسوالی شیخ علی - ولایت پروان

حزب وحدت اسلامی به هیچ وجه خواهان جنگ در هزاره جات نیست. این باند خیانت و معامله است که مجری سیاست های جنگی اداره کابل در هزاره جات گردیده است.

با تکیه به مشی صلحجویانه، در هر نقطه ای که مزدوران بی غیرت اداره کابل، تشنجی بوجود آورده اند، رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان به علما و ریشسفیدان منطقه مراجعه کرده، خواهان حل قضیه از طرق صلح آمیز گردیده است. لکن در مقابل این اجیران اداره جنگی کابل بوده که از هر بهانه ای برای ایجاد تشنج استفاده کرده اند. برای روشن شدن اذهان ناگدیریم که به عنوان نمونه به قضیه ورث اشاره نمایم.

در قضیه ورث که ظاهر حسنی داماد و خواهرزاده آقای اکبری، بصورت ناخواسته و در جریان یک منازعه لفظی به قتل می رسد، رهبری حزب وحدت اسلامی به منظور جلوگیری از پیش آمد های احتمالی طی یک پیامی به آیه ۱... بهشتی خواهان حل قضیه از طریق شرعی می گردد اما آقای اکبری، قضیه را بهانه قرار داده، افرادش را به محاصره پیتاب جوی ورث وادارد می نماید. گویا خون خواهر زاده آقای اکبری از خون دیگر فرزندان هزاره که بی گناه کشته می شوند، رنگین تر است و هرگز شرع مقدس نمی تواند خونبهای آن را جبران نماید. باید در برابر این خون، جویی از خون جاری گردد تا عطش آقای اکبری رفع گردد.

در شرایطی که افراد اکبری جنگ را آغاز می نمایند و آقای فهیمی قوماندان حزب وحدت از رهبری حزب، خواهان هدایت می گردد، در جواب، پیامی دیگری به علما و ریشسفیدان منطقه مبنی بر حل قضیه از طریق صلح آمیز و شرعی، از سوی مقام رهبری ارسال می گردد. و نیز هیئت صلحی را بشمول استاد ناطقی و استاد احسانی یکاولنگی به سوی منطقه اعزام می نماید. متأسفانه آقای اکبری همه این مساعی صلحجویانه و حسن نیت رهبری حزب وحدت اسلامی را نادیده گرفته با ارسال نیرو و امکانات جنگی از کابل جنگ را شدت می بخشد. درست در زمانی که طیاره های اداره کابل با امکانات جنگی به ورث فرود می آیند، مدافعین مردم آماده دفاع گردیده محاصره را می شکنند. در این شرایط مدافعین حزب وحدت اسلامی، درک می کنند که این جنگ باپلانی از سوی اداره جنگی ربانی است و آنان وظیفه دارند که از حريم مردم شان دفاع نمایند. خوشبختانه در این دفاع مردانه يك بال هلیکوپتر اداره کابل نیز سقوط کرده، دلیل روشن مبنی بز دخالت و سیاست جنگ افروزان این اداره به جای می گذارد.

این فقط ورث نیست که با پلان شوم مسعود- ربانی، به جنگ کشیده می شود. همزمان با این نیروهای تعلیم دیده این باند مزدور در ایران از طریق غور وارد منطقه بندر شده، در بندر و لعل، آتش جنگ را روشن می سازند. همچنین در ولسوالی لولنج که خوشبختانه درهه این مناطق فعلا مدافعین حزب وحدت اسلامی با دفع شرارت ها کنترل کامل دارند و هیچ گونه تشویشی احساس نمی گردد. از مرور واقعیت های فوق تا این جا به خوبی روشن می شود که حزب وحدت اسلامی و مردم ما در برابر يك پلان وسیع جنگی که از سوی مثلث انحصار طرح شده و توسط باند مزدور خیانت و معامله اجرا می گردد، قرار دارد.

بمردم بیدار و سريلند ماست که قضایا را با خردمندی و هوشیاری، بررسی نموده، در جهت مصلحت عمومی، اتخاذ موضع نمایند. حزب وحدت اسلامی استراتژی مفاهمه و مذاکره را با تمامی کتله های اجتماعی و گروه های سیاسی، اعتقاد دارد. جنگ هیچ وقت راه حل نیست و آسیب های که از جنگ بر جامعه وارد می شود، غیر قابل جبران است. مخصوصا جنگ های ملیتی که سیاست اداره کابل، در جهت ایجاد و تشدید آن، عمل می نماید.

در این راستا، امروز ها وسیعاً تبلیغ می گردد که نیروهای گروه طالبان درکنار نیروهای حزب وحدت اسلامی در هزاره جات باهمراه ها می جنگند. متأسفانه در این گونه تبلیغات زهرآگین رسانه های خبری جمهوری اسلامی ایران هم سهم بسیار فعال دارد و حتی فعال تر از رسانه های خبری اداره کابل.

روشن است که هدف از این گونه تبلیغات از یکسوی بی اعتبار کردن حزب وحدت اسلامی و از سوی دیگر ایجاد خصومت های ملیتی می باشد. همان چیزی که اداره انحصاری کابل از آن ماهی مراد می گیرد. مذاکرات حزب وحدت اسلامی با طالبان بر اساس استراتژی مفاهمه و مذاکره، در جهت حل قضایای کشور بوده اما از لحاظ نیروی جهادی، حزب وحدت اسلامی بر وسیع ترین پایه های مردمی استوار است. این مردم است که از حزب خود دفاع می نمایند. مگر در بامیان همین مردم نبودند که تن خود را به فولاد زدند و فولاد را شکستند. این باند مردم دشمن خیانت و معامله است که در وضعیت تجریدی خود از مردم، نیروهای بیگانه را بالای خانه های مردم خود می آورد و از آنها انتقام می کشد. حزب وحدت اسلامی با مردم است و مردم حامی آن ■

مادر هزاره جات خواهان صلح و ...

همانگی رسیده آتشی شد و از زمین و هوا بر سر مردم فقیر غرب کابل ریخت. این درست در شرایطی بود که گروه طالبان به دروازه های کابل رسیده بودند و زمینه از هر جهت برای نابودی رهبری جامعه هزاره آماده. با تمامی مساعی کریمانه و حسن نیتی که حزب وحدت اسلامی و رهبری آن، نشان داد نتوانست از اجرای این نیت شوم جلوگیری به عمل آورد. پیشقراول این پلان شوم و کینه آلود باند منفور خیانت و معامله بود که لشکر تشنه بخون هزاره را به کوچه پس کوچه های غرب کابل بالای نوامس مردم خود، راهنمایی می کردند. غرب کابل سقوط و سنگرهای عدالت فرو ریخت. پرچمدار قربانی تعصب کور گردید.

بدیهی بود که جامعه هزاره نمی توانست در ماتم شهادت رهبر خود نشسته فقط اشک بریزد. حذف این مردم از صحنه های سیاس، قابل تحمل نبود. روی این لحاظ، نهاد رهبری کننده این مردم بی سامان دو باره شکل گرفت. چه جای دیگری غیر از هزاره جات برای تمرکز این نهاد مناسب بود؟

هزاره جات آخرین خانه ما بود. وقتی غرب کابل سقوط کرد، چاره نداشتیم که به این جا بیاییم اما دیدیم که بازهم کینه ها نیش در آورد و باند خیانت و معامله، بی شرمانه و بدون کوچکترین احساس غیرتی لشکر مثلث مسعود- ربانی - سیاف، همان قاتلان افشار را به هزاره جات آورده بار دیگر آتش جنگ را مشتعل ساختند.

ما دهان پر خون داشتیم. چند روزی بود که پیکر غرقه بخون پدر و مرشد مردم خود را، از دوش نهاده بودیم. کمر ما هنوز از زیر بار این مصیبت سنگین راست نشده بود که تهاجم وحشیانه اداره کابل با پیشقراولی خود فروخته گان مزدور به بامیان آغاز شد. این درست در زمانی بود که نهاد رهبری کننده مردم فقیر هزاره، اولین روزهای شکل گیری خودش را تجربه می کرد.

لشکر مهاجم با مرگبارترین سلاح ها به جنگ هزاره جات آمده بود و در مقابل مدافعان مردم ما، با دست خالی ولی ارمان بلند مردمی، مقاومت می کردند. چه بسیار از فرزندان صدیق مردم ما، در فقدان امکانات و شب پوش، از شدت سردی جان باختند اما هرگز از سنگر عزت و غرور مردم خود، پایین نیامدند.

این سخن مدافعان سر سخت مردم ماست؛ اگر آتش ما آن قدر قوی نیست که تانک های مهاجمین را بسوزانیم، تن های رنجور و لاغر خود را در لابلای چین های تانک آن ها آن گونه گره بزنیم که از حرکت بازداریم.

سرانجام جبهه مردمی به پیروزی رسید و لشکر تشنه بخون هزاره، بابجا گذاشتن تلفات سنگین و کلیه وسایل جنگی خود از بامیان فرار کردند. این شکست تجربه بسیار گرانبهایی بود که اداره جنگی کابل، باید از آن درس فراموش ناشدنی می گرفت اما سیاست جنگی انحصار قدرت چنین مجالی را باقی نگذاشت. چه اینکه گردانندگان این سیاست بخوبی می دانند که در این جبهه افرادی نیستند که به بهای نان حیثیت شان را به معامله و سرنوشت مردم شان را به فروش گیرند. این جبهه بجز تأمین حقوق و خواسته های مردم به چیز دیگری راضی نخواهند شد و این درست مقابل سیاست انحصار قدرت است. بر این اساس فاز جدیدی را در هزاره جات آغاز کردند. در این فاز، باید تمام ذهنیت حزب وحدت اسلامی، مصروف هزاره جات گردیده، از خط مقدمی که نزدیک است گلوی مسعود را بفشارد، غافل گردد.

گرچه رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان برای نشان دادن حسن نیت به مدافعان مردم، امر توقف داد. لکن ذهنیت کج دارد و مریض مسعود- ربانی، مانع از درک این پیام شد. و سیاست ایجاد تشنج و درگیری در هزاره جات که هم نفاق های اجتماعی را شدت می بخشد و هم برای رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان درد سر ایجاد می کند با تأکید و تأمین بیشتر روی دست گرفته شد. متأسفانه جریان خیانت و معامله که باید تا کنون نیت های پلید مثلث شوم انحصار را درک می کردند و از مردم ستیزی دست بر می داشتند، با تطمیع پولی بی شرمانه تر از قبل مجری این نیت ها گردیدند.

با آغاز سال جدید و تثبیت رهبری مردم، برای سومین بار غرض شکستن نهاد رهبری جامعه هزاره، در هزاره جات آتش جنگ را مشتعل ساختند.

انگیزه های جنگی کاملاً روشن است، حزب وحدت اسلامی که خود را حامی حیثیت و حقوق مردم خود می داند، وظیفه دارد که در برابر دسیسه های جنگی، سنگر دفاعی خود را مستحکم نماید. انتظار مردم از حزب شان تأمین امنیت و آسایش عمومی است. با اتکا به نیروی لایزال مردمی بحمدالله نیروی کافی در اختیار رهبری مردم وجود دارد که در هر نقطه از هزاره جات و خط مقدم جبهه شرارت ها را دفع نماید.

خدا محوری یا ...

خدا محوری

این مفهوم ریشه در باورهای دینی و اعتقادی دارد. از آن روزی که باور های دینی انسانی جوانه می زند، مفهوم خدا محوری و گرایش انسان به سوی خداوند نیز در درون انسان می شکوفد. بلکه می توانیم بگوئیم که خدا باوری و گرایش به انسان به سوی خدا در فطرت انسان و صبغه انسانی اش نهفته است؛ فاقم و جهک للدين حنيفاً فطرة الله التي فطر الناس عليها. لكن غفلت او، از کشف فطرت و گرایش به سوی خداوند مانع می شود و همین غفلت موجب می شود که دسیسه های شیطانی او را از خداوند باز دارد و به وادی ضلالت و گمراهی بکشاند. بنابر این مفهوم خدا محوری و میل به سوی ذات حق در فطرت و خمیره وجودی انسان خوابیده و همزمان با خلقت انسان «خدا محوری» نیز شکل گرفته است.

از دیدگاه طرفداران این اندیشه گرایش به سوی خداوند در عمق جان انسان ریشه دارد و با رشد باور های دینی در جامعه، آن گرایش نیز از قوه به فعل می رسد. هنگامی که يك جامعه و یا يك پدیده، سیاسی اجتماعی، صبغه دینی به خود می گیرد و هنگامی که يك انقلاب یا جنبش و نهضت با پسوند دین و مکتب وارد صحنه، جامعه می شود (انقلاب اسلامی، نهضت اسلامی و...) این بار مفهومی نیز بر آن افزوده می شود. معنی ندارد که يك جامعه، دینی باشد ولی خداوند محور تمامی گرایشات و فعل و انفعالات اجتماعی آن جامعه نباشد.

حرکت انسان و جامعه به سوی خداوند از «نه» آغاز می شود و با گفتن «آری» تکمیل می گردد. مفهوم خدا محوری از دو بعد منفی و مثبت تشکیل یافته است و اولین و اساسی ترین شعار توحیدی کلمه «لا اله الا الله» است. قولوا لا اله الا الله تفلحوا، بگوئید: «خدایانی نیست مگر خدا» رستگار می شوید. فلاح و رستگاری جامعه در گرو این دو کلمه است: «نه» و «آری». «نه» در برابر هر آنچه که انسان را به بردگی می کشاند، هویت و شخصیت انسانی را لگد کوب می کند. «نه» در برابر هر آنچه که ضد ارزش های انسانی تلقی می شود. «نه» در برابر طاغوت، خواه طاغوت درونی باشد (نفس) و خوا طاغوت بیرونی. طاغوت نفس انسان را در برابر تجمل، مصرف، اسراف، تبذیر، زرق و برق تمدن، آسایشها، سکس، شهوت، کاباره و برهنگی به بردگی و اسارت می کشد و شخصیت او را تحقیق می کند، و طاغوت بیرون انسان را در برابر همنوعش به بردگی می کشاند. فرق نمی کند که روحانیت مسجد و کلیسا باشد که با سوء استفاده از دین و به نمایندگی از خدا هم خود را صاحب اراده و زندگی بشر در دنیا می داند و هم مالک بهشت آن در آخرت یا فرود و فرعون که با شعار «انا ربکم الاعلی» بشریت را به بندگی و پرستش انسان دعوت می کنند و یا یزید و ربانی و مسعود که بنا حق حاکمیت سیاسی اجتماعی مردم را تصاحب کرده اند. «نه» در برابر صد سال تاریخ کشور که جز عزلت، حقارت و اسارت ارمغان دیگر نداشته است.

برای گام گذاشتن به سوی خدا اول بایست که بت ها را شکست و از بتکده به مزبله انداخت، فرق نمی کند بعل و هیل، لات و منات و عزی باشد که ساخته و پرداخته، دست بشر در چهارده قرن قبل بود، یا محسنی، فاضل و... باشد که با داخل شدن در کسوت مذهب به خدای جامعه بدل شده و برای حفظ این سمت حاضرند خون و حق يك ملت را به معامله بگیرند، یا تفاخر نژادی باشد که دشنه کمرشکن است بر پیکر روابط اجتماعی.

بعد از آنکه بت ها را شکستی و در این مبارزه سخت بر شیطان پیروز شوی و آن را از نهانخانه دل و جامعه بیرون کشیدی، آنگاه نوبت می رسد به اینکه بگوئی: «آری»، «آری» در برابر کسی که به تو هستی بخشیده، کمالات و هویت انسانی عطا کرده و آنچنان به تو عظمت بخشیده است که ملائکه را به پیشگاه تو به سجده واداشته است. بعد از عصیان در برابر خدایانی که ساخته بشر است به يك باره در برابر خدای هستی بخش، تسلیم محض می شوی و خواست و اراده او را بر خواست و اراده خود مقدم می داری و اراده خود را در چوکات اراده او تنظیم می نمائی (نمن یکفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انفصام لها...) کسی که در مقابل طاغوت کفر بورزد و در برابر خدا تسلیم شده، به او ایمان آورد، به عروة الوثقی الهی چنگ زده است، این عروة الوثقی آنچنان از استحکام برخوردار است که هرگز از هم نمی گسلد و پاره نمی شود. اینجا است که انسان به يك باره آزاد شده و به هویت و کمالات انسانی خویش دست می یابد. تسلیم در برابر طواغیت، انسان را به بردگی می کشاند و هویت انسانی او را درهم می شکند ولی عصیان در برابر طاغوت و تسلیم در پیشگاه خدا که خالق انسان است و بخشنده هستی برای او، عظمت آفرین است و آزادی بخش.

به همین جهت است که بلال حبشی سیاه را می نگریم که بخاطر سیاه بودن، همیشه زندگی خود را در اسارت و بردگی سپری می کند ولی وقتی که به اسلام می گردد و تمام قید و بند های طاغوت را گسسته، در برابر خدا تسلیم می گردد، مؤذن و بلند گوی اسلام در عصر خویش می شود. موقعیتی که خیلی ها آرزوی رسیدن به آن را در سر می پرورانیدند ولی شایستگی آن را در مقایسه با بلال احراز نمی کردند.

به همین نحو اسامه فرزند زید جوان بیست و سه ساله ای که از موقعیت پایین اجتماعی برخوردار است پس از اسلام بعنوان فرمانده کل قوای اسلام تعیین می گردد و در حالی که به حیث امام جماعت اقامه نماز می نماید، پشت سرش بزرگترین شخصیت های قبل از اسلام، همان های که او را به بردگی کشانده بودند، به نماز جماعت ایستاده و به او اقتدا می نمایند. و همینطور سلمان فارسی شخصیت سرگردان برای یافتن حقیقت از فارس حرکت نموده به سرزمین عرب پا نهاده است، جامعه که تمام امتیازات اجتماعی را به نژاد عرب وابسته کرده و در لذت های تفاخر نژادی غرق اند، ولی با پذیرش اسلام و ایمان راستین به خداوند به حیث يك شخصیت با عظمت در تاریخ اسلام تبارز می نماید. اکثریت سربازان صدر اسلام افراد زیر دست و پیش پا افتاده اجتماع بودند که بعد

استراتژی دفاع و ...

اسلامی با گروه طالبان و همچنین ادامه مذاکرات بین حزب وحدت و حاکمیت انحصاری ربانی، از انتخاب این استراتژی برخاسته است. چهره تاریخ سیاسی حزب وحدت اسلامی در سه سال مبارزه روشن تر از آن است که به بیان قلم و تحلیل در صفحه کاغذ نیازمند باشد. ولی مطالعه دوباره آن تکرار تاریخ است. تجدید خاطره ها غبار فراموشی را که ناشی از گذر زمان است از دیدگاهها و چهره های زدايد. به این لحاظ صفحات تاریخ را ورق زده و گلبرگ هایی از آن گلچین می کنیم.

حزب وحدت اسلامی افغانستان به نمایندگی از يك ملت و با قاعده وسیع مردمی در سال ۱۳۶۸ باکوله بارسنگین از رسالت تاریخی بردوش، پایه عرصه وجود نهاد. این حزب خاطره تلخ

بیش از دو صد سال محرومیت را به همراه داشت. بی توجهی به حقوق و آرمان های سیاسی اجتماعی هزاره ها که در چهره انزوی سیاسی شورای ائتلاف توسط مجاهدین پیشاور نشین و عمدتاً گروه های بشتون، تبارز یافت، حزب وحدت اسلامی را بر آن داشت که برای نشان دادن موجودیت خویش وارد گفتگو های سیاسی با قوماندانان و نظامیان شود. در آن زمان از يك ها در کابل بودند و حزب وحدت برای رسیدن به اهداف سیاسی اجتماعی خود، فرماندهان تاجیک در رأس آن احمدشاه مسعود را برای مذاکره برگزید. حزب وحدت با توجه به سرنوشت مشترک تاریخی، و موضعگیری های ملایمتر و انسانی آنها در برابر هزاره ها با احمدشاه مسعود وارد گفتگو و مذاکره گردید. استاد شهید مزاری این جریان تاریخی را اینگونه بیان می کند: «در بین همه این روحیه بود که ما در طول تاریخ دوصد و پنجاه سال از طرف پشتونها و حاکمیت پشتون صدمه دیدیم. لذا با این باور و با این ذهنیت اولین هیئت (۱۳۶۸) پیش مسعود رفت که توهم از ملت محروم هستی و ما هم از ملت محروم بیا که دست به دست هم بدهیم... مسعود در ظاهر استقبال کرد و قرار گذاشته شد که هیئت دوم را ایشان (بامیان) بفرستند که تا سال هفتاد و یک نفرستاد...» (۱)

نیامدن هیئت از سوی مسعود به بامیان، حزب وحدت را از ادامه مذاکرات و نتیجه بخش بودن آن، مأیوس نکرد و وجه مشترک همچنان حزب وحدت را به سوی همگرایی و ائتلاف با تاجیک هادی کشاند. حتی زمانی که ژنرال های شمال خواستار پیوست با حزب وحدت و همکاری متقابل شده بودند، حزب وحدت برای مذاکره به سوی مسعود می رود: «ما... روی همان سنت تاریخی باز در پنجشیر هیئت فرستادیم تا با آقای مسعود صحبت کند؛ بعنوان اینکه تو نمایندگی از يك ملت محروم می کنی و ملت ما هم محروم است، بیاییم دست به دست هم بدهیم، دولت ساقط می شود و از حقوق همدیگر دفاع کنیم. قطعنامه ای را امضاء کردیم به پانزده ماده...» (۲).

اگر این قطعنامه جامه عمل می پوشید و جنبه تحقق می گرفت، بدون تردید مسیر تاریخ را با شکست انحصار به نفع مردم افغانستان و حاکمیت عادلانه سیاسی اجتماعی تغییر می داد. لکن مسعود ازین معاهده و ائتلاف منظور دیگری داشت. او می

از پذیرش اسلام در اوج اقتدار و عظمت عروج می نمایند و جامعه ایدآل و نمونه ای به وجود می آورند که در آن، زیر دست ها بالا آمده اند و اشرافیت جاهلی از موقعیت بالای اجتماعی به پائین کشیده شده اند. جامعه ای که در آن عرب و عجم، سیاه و سفید برادرند و برابر. تفاخرات نژادی درهم کوبیده شده و در میان قبائل مختلف و متخاصم که سالها باهم جنگیده اند برادری و اخوت ایجاد شده است. ارزشها و معیارهای ارزشی کاملاً دگرگون شده است. «نه» گفتن در برابر حاکمیت اشرافی، مقاومت در برابر روند تاریخ که تنها ارمغان آن اسارت انسان در برابر انسان بود، جزء ایمان به حساب می آید. تقوی، علم و جهاد تنها معیار ارزشی هستند. اراده مردمی آنچنان به دیده احترام نگریسته می شود که پیامبر مامور می شود در کار های سیاسی اجتماعی با مردم مذاکره نموده و از آنها اخذ مشورت نماید. «و شاورهم فی الامر». این است نمونه کامل از جامعه خدا محوری. (ادامه دارد)

منابع:

- ۱- محمد قطب، اسلام و نابسامانی های روشنفکران، ج ۲، ص ۲۹۳، مترجم: محمد علی عبادی
- ۲- محمد قطب، اسلام و نابسامانی های روشنفکران، ج ۲، ص ۵۱۹.
- ۳- منبع فوق، ج ۱، ص ۱۸.

خواست که سنت انحصار را از اختیار پشتون ها خارج کرده، در ملکیت تاجک در آورد و از دو ملت هزاره و ازبیک، بعنوان چوب سوخت این سیاست استفاده نماید با این باور بود که تلاش می کرد تا جنگ سختی را بین این دو ملت و ملت پشتون راه اندازد. اتحاد سیاف را بر علیه حزب وحدت تحریک می کرد و جنبش ملی را علیه حزب اسلامی. با این نیت وقتی مسعود خواست وارد کابل شود دیگران را در جریان نگذاشت و بعد از ورود دروازه ها را بروی دیگران بست «مسعود با فشار راه را بروی میدان شهر بست و نیروهای ما يك هفته در میدان شهر گرسنه ماند. تمام هم و غم آقای مسعود این بود که سلاحی که در کابل است در دست مردم هزاره نیفتد...» (۳)

به این ترتیب عملاً ائتلاف نظامی به پایان رسید و مسعود میراث بر نظامی شد که در آن حق و عدالت، برادری و برابری، قربانی انحصار جنون آمیز شده و ارمغانی جز نابودی روحیه، همگرایی ملی، مرگ باور های انسانی، نفاق اجتماعی تا سرحد ازهم پاشیدگی کشور ندارد.

علازغم جنگ های خونین و خسارتهای که از سوی شورای نظار در رأس آن مسعود، علیه مردم ما در غرب کابل تحمیل شد حزب وحدت بار دیگر پس از گفتگو و مذاکره در اوایل میزان ۱۳۷۱ به دولت ربانی پیوست: «در دورانی که آقای ربانی رئیس جمهور بود مسئولین حزب وحدت با تلاش و اخلاص رفته با ایشان مذاکره کردند و توافقنامه امضا نمودند. ربانی به این مسئله تعهد کرد که کسانی که با شما مخالف است یا ما هم مخالف است، حضور وسیع شما را در دولت دیده نمی تواند. لهذا حق شما (منحصر) در اینکه با من توافق کردید نیست، بیشتر از این است. شما این را در بین مردم اعلان نکنید به رادیو ها اعلان نکنید من به ملت شما این حق را می دهم...» (۴)

ولی این معاهده نیز همانند توافقنامه های دیگر هرگز عملی نشد و جنبه تحقق نگرفت، تا اینکه ائتلاف نظامی دو حزب که از سوی مسعود با ورود به کابل، زیر پا گذاشته شد، باوقوع تراژدی افشار به صورت غیر ممکن در آمد و حزب وحدت به سوی يك ائتلاف نظامی دیگر تغییر جهت داد.

«در قضیه افشار و چنداول روشن شد که این باور ما همه اشتباه بوده است. آن باور این بود که وقتی از يك خاندان جاه طلب و از يك عشیره کوچک بر مردم ما ظلم شده بود، ما فکر می کردیم و باور داشتیم که کل جامعه پشتون بر ما ظلم کرده و ظلم می کند و در آینده ما وقتی به حق و حقوق می رسیم که در کنار فارسی زبانها باشیم از فارسی زبانها دفاع بکنیم و با آنها همسنگر و هم موضع باشیم. اما قضیه افشار و چنداول بر این باور ما خط بطلان کشید...» (۵) (ادامه دارد)

منابع:

- ۱- سخنرانی رهبر شهید استاد مزاری در غرب کابل به مناسبت سالروز ولادت مولای متقیان حضرت علی (ع) تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۱۶، چاپ شده، در مجله سراج شماره ۳ ص ۱۷۲.
- ۲- آدرس فوق
- ۳- مدرک فوق
- ۴- مدرک فوق
- ۵- سخنانی از پیشوای شهید- انتشارات کانون فرهنگی رهبر شهید- اسلام آباد، ص ۴۶

به مناسبت صعود مجدد استاد خلیلی به مقام قیادت خلق های محروم پیامهای تبریک و تجدید تعهد با رهبر همچنان ادامه دارد

پیام تبریکه

بسمه تعالی

به مقام محترم سرقوماندان اعلاى قوای مسلح و دبیر کل حزب وحدت اسلامی. السلام علیکم! اما بعد، باردیگر اراده آهنین و خلل ناپذیر مردم مسلمان و شرافتمند ما، در تصمیم تاریخی و انتخاب ارزشمند و شایسته شورای عالی نظارت و مرکزی، مبنی بر انتخاب مجدد حضرتعالی به عنوان دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان، تجلی یافته و گام بلند و استوار بسوی اهداف عالی این حزب و مردم، برداشته شد و يك بار دیگر، دشمنان به کمین نشسته و ایادی ذلیل و خود فروخته شان، به شکست خفت بار مواجه گردیدند. قوماندانی قول اردو به نمایندگی از تمام جزوتمایها، قطعات، افسران، مجاهدین و سربازان قهرمان خود، حمایت بی دریغ و ایثار گرانه خود را از اقدام شورای مرکزی و انتخاب شایسته حضرتعالی به مقام دبیر کلی حزب وحدت اسلامی افغانستان، اطمینان داده، اعلام می دارد که تا آخرین نفس از اهداف حزب و مردم شریف خود، با قدرت و توانمندی کامل، دفاع نموده، لحظه دریغ و غفلت نخواهد کرد. قوماندانی قول اردو، آمادگی دارد که با تمام دسائیس و توطئه های دشمن در همه سطوح، مقابله نماید.

این حرکت بر جسته و تاریخی حزب وحدت اسلامی افغانستان را، به تمام برادران، خواهران و سنگر داران داخل و خارج کشور، صمیمانه تبریک و شادباش، عرض نموده، از خداوند استدعا می نمایم که تحت رهبری خردمندانه جنابعالی، اهداف عالی همه شهدای انقلاب اسلامی، بویژه خط سرخ و انقلابی رهبر شهید استاد مزاری رحمه الله علیه را، ادامه داده، از دست آورد های آن بانقد جان پاسداری نمایم. من الله التوفیق

قوماندانی قول اردوی ح.و.ا. ۱۳۷۵/۲/۱۲

پیام تبریکه

بسمه تعالی

به مقام محترم دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، پرچمدار پرچم خونین حق و عدالتخواهی بابای قوم، مزاری بزرگ، استاد خلیلی! السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

از آنجاییکه در سال گذشته بعد از حادثه دردناک سقوط کابل و شهادت معلم

شورای هماهنگی در شرایط حساس کنونی ...

شرایط حساس کنونی که تصمیم آن می تواند تغییر عمیق و سرنوشت سازی در اوضاع سیاسی و توازن قدرت جبهه ها بوجود آورد، باید مسیری را انتخاب نماید که هم اعتماد مردم را جلب کند و هم حل کننده بحران کشور باشد.

شورای هماهنگی در مرحله بسیار خطیری قرار دارد، بسیاری از محافل سیاسی جدا شدن حزب اسلامی را از شورای عالی هماهنگی انتظار می کشند چه اینکه در باور این ها، مذاکرات حزب اسلامی با جمعیت در خط اخوانیزم ارزیابی گردیده، در صورت پیشرفت جبهه بندی را بوجود می آورد که یقیناً حزب اسلامی نمی تواند، در شورای هماهنگی عضویت خود را حفظ نماید.

لکن ما اعتقاد داریم که شورای عالی هماهنگی مثل اراده تمام مردم و ملیت های ساکن در افغانستان بوده و قوی ترین سنگر مردم در برابر زور گویی ها و انحصار طلبی ها می باشد. با تکیه به همین باور است که احزاب تشکیل دهنده آن گرد هم آمده و این شورا را بوجود آورده اند. شیوه مذاکره و مفاهمه، سیاست اصلی این شورا است و گروه سیاسی موجود در آن می تواند، مساعی صلح آمیزی را در جهت حل بحران کشور به پیش ببرد. طبیعی است که تصمیم نهایی و تشخیص اینکه چه اقدام و راهی در جهت مصلحت مردم و حل معضله کشور است بعد از خود شورا می باشد. هیچ عضوی از شورا حاضر نخواهد شد که تعهد خود را مبنی بر پایبندی به فیصله شورا، شکسته راه دیگری را بسوی زود بند ها پیماید.

همه اعضای شورای عالی هماهنگی به این واقعیت رسیده اند که جستجوی منافع سیاسی گروهی و مطلق کردن آن، گامی بسوی تشدید بحران و دور شدن از آرمانهای مردمی است. در شرایطی که ملت در دریای خون دست و پا می زند تمام همت گروه های سیاسی باید در جهت نجات مردم ازین مصیبت باشد نه آنکه با خط بازیهای سمتی و گروهی، مصیبت دیگری برشانه ای مردم افزوده تیر پشت آنها را بشکنند.

باور داریم که ایجاد جبهه بندی تازه نه تنها مشکل را حل نمی کند که بحران را پیچیده تر می سازد. حفظ کلیت شورای عالی هماهنگی به همان اهمیتی قرار دارد که حل بحران کلی کشور. بر خلاف خواست بد خواهان و سیاستی که اداره ریانی برای متفرق کردن جبهه وسیع مردمی علیه خود اتخاذ کرده، شورای عالی هماهنگی، کلیت خود را مؤثرتر از گذشته حفظ خواهد کرد.

حزب وحدت اسلامی با تکیه به این باور که شورای عالی هماهنگی یکی از میراث های گرانبهای رهبر شهید خلق های محروم استاد مزاری، در جهت تحقق اخوت اسلامی بین اقوام و ملیت ها می باشد از هیچ کوششی در تقویه آن دریغ نخواهد کرد.

(امروز ما)

پیام تبریکه: استاد سجادی عضو شورای عالی نظارت ح.و.ا. به مناسبت انتخاب استاد خلیلی به مقام دبیر کلی ح.و.ا.

حضرت استاد خلیلی دبیر خردمند و محبوب حزب وحدت

اسلامی، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

خدای را سپاس که یکبار دیگر مردم سرفراز، مجاهدین دریا دل و حزب افتخار آفرین ما را از کوره بزرگترین آزمون تاریخی موفق و پیروز بیرون کشیده و همبستگی ملی عزت اسلامی و بازیابی نقش تعیین کننده سیاسی و نظامی در کلیه معادلات کشور را فراهم آورد.

تصمیم اخیر شورای مرکزی مبنی بر انتخاب جناب عالی به عنوان دبیر کل حزب وحدت اسلامی به عین اینکه اظهار مراتب عمیق قدرشناسی و سپاس مندی این شورا از تلاش ها و فداکاری های بی بدیل شما در راستای حفاظت از دست آوردهای مقاومت کبیر ملی و تداوم خط خونبار پیشوای محبوب، جریان عدالت خواهی کشور و رهبر سازش ناپذیر حزب وحدت اسلامی استاد شهید عبدالعلی (مزاری «ره») تجدید میثاق به آرمان ها و آرزوهای بلند آن پیر طریقت ایثار و شهادت به شمار می آید، بیانگر احترام خالصانه این رایت افرازان حق و عدالت و آزادی به خواست و اراده آگاهانه و خدشه ناپذیر مردم آزاده و دلاور ما که بارها و بارها در همه عرصه ها و صحنه ها بیعت عظیم خود را بارهبری قاطع و خستگی ناپذیر حزب وحدت اسلامی اعلان داشته و شعار حمایت از رهبری را با تمام وجود در دشوار ترین شرایط فریاد کرده اند نیز می باشد این عسکر کوچک مردم از سوری خود و شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی ضمن ابراز تشکر و سپاس از این تصمیم به موقع، مسوولانه و خدا پسند از شورای محترم مرکزی که کمال تعهد مردمی و هشیاری ملی و انقلابی خود را به نمایش در آورد، کاملاً لازم و شایسته میدانم که این انتخاب اصلح را به پیشگاه مردم فداکار و همیشه در صحنه (هزاره جات)، فرزندان، مجاهدین، افسران و مسوولین متعهد حزب وحدت اسلامی و حضرتعالی از صمیم قلب تبریک گفته و برای تمام رهروان راه قائد شهید توفیق پاسداری از سنگر های عزت و صلابت مردم و تحقق خواسته های برحق و عادلانه حزب وحدت اسلامی در جهت تأمین عدالت اجتماعی، صلح سراسری، وحدت ملی و تحکیم حاکمیت راستین اسلامی در کشور را مسئلت نمایم.

و من الله التوفیق و هو الهادی

محمد سجادی ۱۱ ثور ۱۳۷۵ بامیان

از روز معلم در شهر بامیان بامیان تحلیل بعمل آمد

روز شنبه ۲۹ ثور ۱۳۷۵ به عنوان روز معلم از سوی کمیته فرهنگی حزب وحدت اسلامی و ریاست تعلیم و تربیه ولایت بامیان در لیسه عالی شهید مزاری، تحلیل گردید.

خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی از مرکز بامیان گزارش می دهد در این محفل که با حضور اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی حزب وحدت اسلامی و شرکت اعضای کمیته ها، مجاهدین، قوماندانان، مسوولین ولایت بامیان، شاگردان و معلمان ذکور و اناث مکاتب بامیان و مردم شریف شهر بامیان، تدویر یافته بود، با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید توسط برادر قائمی عضو کمیته فرهنگی آغاز و با اجرای سرود هایی توسط گروه های سرود مکاتب لیسه عالی شهید مزاری، شهید فهیمی، شهید رضایی، رابعه بلخی، شهید نصرت، شهید سهرابی، شیرین هزاره و مکتب معصومه، ادامه یافت.

گزارش می افزاید، همچنین در این مراسم خواهر ذکیه مشتری و خواهر گلشوم جعفری از معلمان مکتب رابعه بلخی، خواهر عزیزه نوروزی، خواهر حلیمه مشتری و خواهر فاطمه رضایی از معلمان مکتب معصومه، مقالات جالبی را قرائت کردند. همچنین در خلال مراسم ترانه های هزاره گی توسط برادر هنرمند (گلو) اجرا گردید.

مراسم با سخنرانی برادر جعفر رضایی و ظاهر اظهار پیرامون ارزش علم و شخصیت معلم و نقش او در تفکر جامعه، پایان پذیرفت.

طبق همین گزارش در ختم محفل تقدیر نامه های به معلمان توسط برادر جویا رئیس تعلیم و تربیه ولایت بامیان، اعطا گردید.

انقلاب، بابای قوم، رهبر محرومان، استاد مزاری، حذف مردم ما از معادلات سیاسی کشور و نابودی همیشگی شان در اذهان همگان متصور بود. فاشیزم و خائنین ملی که پیروزی شان را در فتح سنگر های مقاومت غرب کابل، احساس می کردند، در حالیکه وقوع تراژدی انسانی در غرب کابل، در وجدان انسانیت، سنگینی می کرد، با شادباش گفتن همدیگر، آخرین آرزوهای شان را برملا ساخته با آرامش خاطر به چور و چپاول و کشتار جمعی انسانهای بی دفاع و... دست زدند. نابودی هزاره ها باور همه کس بود. دشمن می خواست با شلیک گلوله و انفجار عقده هایشان، آخرین فرزند هزاره را به خاک افکند و با تانک های غول پیکر شان آخرین خشت بنای دیوار گلین هزاره را که سنگرش نیز هست ویران نماید. اما شکل گیری سنگر های مقاومت مردم هزاره، تحت رهبری خردمندانه شما، تمامی باورهای چشم دوختگان به نابودی هزاره را، مخصوصاً دشمنان دوست نما را، نقش بر آب نموده و يك بار دیگر به شجاعت و قهرمانی فرزندان هزاره و توانایی جنابعالی در امر رهبری این مردم و ادامه راه و خط خونین رهبر شهید، مهر تأیید گذاشت. بناءً انتخاب مجدد شما را به مقام دبیر کلی حزب وحدت اسلامی افغانستان در چنین برهه اساسی که حقیقتاً انتخاب شایسته می باشد، برای شما و ملت ستم دیده هزاره و تمامی ارگانهای حزب، تبریک گفته، از صمیم قلب، آرزوی موفقیت شما را در جهت تحقق آرمان های والای ملی و تداوم خط خونین پدر شهید تا استقرار عدالت اجتماعی و پیروزی کامل از خداوند منان، تمنا می نمایم، فرقه ۹۵ یکبار دیگر، تعهد خویش را با خون رهبر و حمایت قاطع خود را از دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان برای خدمت به مردم افغانستان، اعلام می دارد.

والسلام

علی اکبر قاسمی قوماندان فرقه ۹۵

۱۳۷۵/۲/۱۲

پیام تبریکه

بسمه تعالی

به مقام محترم دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان جناب محترم استاد خلیلی! السلام علیکم! اما بعد، حزب وحدت اسلامی افغانستان يك بار دیگر، صداقت خود را در راه تحقق بخشیدن به آرمان های ملت شریف و قهرمان هزاره و تشیع افغانستان به اثبات رسانید و به فریاد رسای حقیقت جویی مردم ایثار گر هزاره، لبیک گفت. شورای مرکزی که مثل آرزوهای دیرینه و حق طلبانه مردم تشیع و هزاره می باشد با انتخاب جنابعالی به عنوان دبیر کل ح.و.ا.ا. به اتفاق آراء، رسالت تاریخی شان را در تداوم راه قاید شهید استاد مزاری انجام داد. این انتخاب بجای و شایسته را حضور شما، تبریک عرض نموده، امیدوارم که در جهت ایفای این مسوولیت سنگین و خطیر، همیشه منصور و موفق باشید. کمیته روابط و امنیت عامه، همدوش با سایر کمیته ها، پشتیبانی قاطع خود را اعلام نموده، آماده اجرای دستورات مقام محترم در امورات محوله با کمال صداقت و امانت داری می باشد. و من الله التوفیق

کمیته روابط و امنیت عامه ۱۳۷۵/۲/۱۲

بقیه پیامها در ص ۵

يك نفر هیزم شکن هزاره توسط افراد

پسته اتحاد سیاف به قتل رسید

روز دوشنبه مطابق به ۱۳۷۵/۲/۲۴ يك نفر هیزم شکن از ملیت هزاره در منطقه پشت مرغ گیران توسط افراد پسته سیافی ها با چاقو به قتل رسید.

گزارشگر شهری امروز ما از غرب کابل گزارش می

ص ۸

شماره ۱۵ / صفحه ۷

هیئت شورای عالی هماهنگی با حضور حضرت صاحب مجددی با جنرال دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی مذاکره کردند

هیئت شورای عالی هماهنگی با حضور حضرت صاحب مجددی رئیس این شورا که روز سه شنبه هفته جاری به صوب مزار شریف عزیمت کرده بودند، با جنرال دوستم رهبر جنبش ملی - اسلامی به ارتباط مسایل جاری کشور و مذاکرات حزب اسلامی با اداره کابل، دیدار و گفتگو نمودند. گزارش حاکمیت همچنین در مزار شریف جلسه شورای عالی هماهنگی دایر شده، روی موضوع مذاکرات حزب اسلامی با اداره کابل بحث و تبادل نظر صورت گرفت. گزارش می گوید: در این نشست، مذاکرات جاری مذاکراتی بین اداره کابل با حزب اسلامی خوانده شده نه با شورای عالی هماهنگی. گفته می شود که در این نشست ها، حزب اسلامی، تاکید

دوتن از فرماندانیان ج.و.ا.ا. با سه تن از مجاهدینش در يك حمله تروریستی به شهادت رسیدند

زوار علی صداقت و احسان علی شجاعی از فرماندانیان حزب وحدت اسلامی در ولایت ارزگان در يك حمله تروریستی از سوی مزدوران اداره کابل، در منطقه جنگان، به شهادت رسیدند. خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی از ولایت ارزگان خبر می دهد. این افراد در شرایطی به شهادت رسیدند که با امینی اشتعلی مربوط جریان خیانت و معامله در حاشیه قرآن کریم تعهد نامه صلح امضا کرده بودند. امینی اشتعلی بانبروهایش که با چال و نیرنگ و تعهد کنار گذاشتن خصومت و دشمنی با مردم اشتعلی و خدیر، وارد منطقه شده بودند در سومین جلسه صلح در منبر جنگان، به این منبر، هجوم برده در حالی این فرزندان صدیق مردم را به شهادت رساندند که قرآن پیشروی آنان بوده است.

گزارش می افزاید: يك مقام مسؤول نظامی در اردوی حزب وحدت اسلامی با ابراز همدردی و عرض تسلیت به فامیلین شهدا، به ارتباط این عمل ضد اسلامی، اظهار داشت: شهادت این عزیزان بیش از پیش چهره جریان خیانت و معامله را هویدا می سازد. و این عمل نشان داد که آنان به هیچ تعهدی پایبند نیستند. لکن ما وظیفه ملی و اسلامی خود را در قبال مردم خود انجام خواهیم داد ■

تعرضات نیروهای وابسته اداره جنگی کابل در

مناطق لولنج و شیخ علی دفع گردید

در شب دوشنبه هفته جاری، نیروهای مشترک شورای باند خیانت و معامله در مناطق لولنج و شیخ علی مربوط ولایت پروان تعرضات ناکامی را انجام دادند که با مقاومت قهرمانانده مدافعین حزب وحدت اسلامی به عقب زده شد. گزارشگر امروز ما به نقل از يك منبع نظامی مستقر در خطوط مقدم جبهه خبر می دهد، نیروهای وابسته اداره جنگی کابل در شب دوشنبه هفته روان، با شکستن آتش بس موجود بین این اداره و حزب وحدت اسلامی، تعرضات ناکامی را در لولنج انجام دادند. به نقل از این منبع، ابتدا نیروهای مهاجم توانستند يك قرارگاه نظامی مجاهدین ج.و.ا.ا. را به اشغال خود در آورند ولی متعاقباً نیروهای پرتوان ما با يك ضد حمله مهاجمین را شکست داده مقادیر زیادی سلاح و مهمات را به غنیمت گرفتند. اما از آمار تلفات دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست.

همین گزارش می افزاید، همچنین در خطوط مقدم جبهه، شیخ علی، نیروهای مشترک شورای باند خیانت و انوری دست به تعرض ناکامی زدند که با مقاومت مدافعین حزب وحدت اسلامی به شکست مواجه گردیدند ■

داشته که بعنوان عضو شورای عالی هماهنگی باقی خواهد ماند اما توافق حزب وحدت اسلامی مبتنی بر شرکت این حزب همراه با حزب اسلامی در اداره سیاسی کشور مطرح نبوده و در این گزارش تکذیب گردیده است.

گزارش علاوه می دارد که هیئت شورای عالی هماهنگی پس از مذاکرات در مزارشریف به بامیان رفته با استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی دیدار و مذاکره خواهند کرد.

بر اساس گفته داکتر طالب سخن گویی شورای عالی هماهنگی، پس از مذاکرات با رهبران گروه های شامل در شورا تصمیم نهایی در باره مذاکرات حزب اسلامی با اداره کابل، گرفته خواهد شد ■

با آتش مدافعین ج.و.ا.ا. ...

گزارش حاکمیت این طیاره بعد از سقوط بایک انفجار عظیم طعمه، حریق گردیده قام سرنشینان آن به هلاکت رسیدند.

گزارش علاوه می دارد، منطقه پیتاب جوی که چند روز پیش ازین حادثه از سوی مزدوران اداره کابل محاصره گردیده بود، با مقاومت جان برکفان حزب وحدت اسلامی، محاصره شکسته و فعلاً این منطقه کاملاً تحت کنترل نیروهای این حزب قرار دارد ■

منطقه بندر مربوط ولایت ارزگان هدف حمله

ناکام مزدوران اداره کابل قرار گرفت

در شب یکشنبه مطابق، ۱۳۷۵/۲/۳۰ نیروهای مردم دشمن و مزدور اداره کابل از استقامت ایماق بالای منطقه بندر ولایت ارزگان، دست به يك حمله ناکامی زدند که با مقاومت مدافعین حزب وحدت اسلامی، با شکست مواجه گردیدند.

گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی حاکمیت مهاجمین با بجا گذاشتن پنج نفر کشته و مقادیر زیادی مهمات و سلاح های ثقله، از منطقه متواری گشتند. همچنین در این گزارش آمده است که فراریان سه نفر کشته و پنج نفر زخمی را نیز با خود برده اند. گزارش علاوه می دارد: این حمله توسط افرادی صورت گرفته که در جمهوری اسلامی ایران آموزش نظامی دیده برای آشوب و جنگ افروزی علیه حزب وحدت اسلامی از طریق ولایت غور وارد منطقه گردیده بودند ■

هشت نفر از ملیت هزاره با وضع فجیعی در غرب کابل به قتل رسیدند

مربوط اداره جنگی ربانی می باشند که مردم ارتکاب این عمل وحشیانه را به آنها نسبت می دهند ■

مناطق شیرداز و شیردازک در

مزدوران اداره کابل اشغال کردند

مزدوران اداره کابل که در جهت سیاست جنگ افروزانده مسعود - ربانی در مناطق شیرداز ولایت ارزگان و بغل کندوی شهرستان، اقدام به شرارت و راهزنی نموده بودند، از سوی نیروهای حزب وحدت اسلامی کاملاً پاکسازی گردیدند.

بر اساس گزارش دیگری از بغل کندوی شهرستان در این منطقه نیز نیروهای این باند مزدور بالای محلات پر تجمع اقدام به تیر اندازی و دهشت افکنی نموده بودند که با مدافعه مجاهدین این منطقه از منطقه عقب نشینی کرده يك کشته و زخمی از خود برجای نهاده فعلماً هردو منطقه از آرامش کامل برخوردار است و مردم به زندگی عادی خود اشتغال دارند ■

هزاره در کابل خاموش و بی صدا کشته می شود، هیچ کسی نیست که ازین مردم بی دفاع و یتیم، حمایت نماید. حتی هیزم شکن هزاره هم تأمین جانی ندارد. چه جرمی غیر از هزاره بودن باعث می شود که هزاره در غرب کابل اختطاف و هیزم شکن هزاره در حالیکه پشواره هیزمش در پشتش می باشد بخون می غلطد.

گزارشگر شهری ما به نقل از شاهدان عینی در غرب کابل گزارش می دهد به فاصله پنج روز در دو هفته گذشته هشت نفر از ملیت هزاره که چهار نفر آن هیزم شکن بوده با وضع فجیعی در آخر دشت ازادگان و دامنه کوه چهل دختران به قتل رسیده اند.

گزارش حاکمیت چهار نفر هیزم شکن هزاره که از کوه چهل دختران هیزم آورده بوده، در حالی جنازه شان یافت شده که پشواره شان به پشت و در خون خود شناور بوده اند و دو نفر از چهار نفر دیگر چشم شان را در آورده و گوش و بینی شان را بریده بودند.

گزارش علاوه می دارد که در محل این قتل ها مسلحین تخاری

يك نفر هیزم شکن هزاره ...

دهد، مقتول که در حدود ۴۵ سال سن داشت برای آوردن هیزم به این منطقه رفته بوده و افراد اتحاد سیاف که در نزدیکی آن محل پسته دارند با چاقو به جان او حمله ور شده و با وارد کردن دوزخم یکی بر ران و دیگری در ناحیه شکم او را بقتل رسانده اند.

گزارش علاوه می دارد که با آوردن جنازه مقتول به دشت ازادگان، مردم بی دفاع این منطقه شدیداً متأثر شده، خواهان انتقام و جلوگیری ازینگونه حوادث ناگوار گردیدند. لکن افراد باند خیانت و معامله با توجیه و وعده های دروغین مردم را متفرق کردند ■

مادر هزاره جات خواهان صلح ...

در هر منطقه ایکه مشکل پیش آمده ما به ریشسفیدان و علمای منطقه مراجعه کردیم. ولی آقای اکبری نپذیرفت و جنگ را در ورس برما تحمیل کرد، دوتن از فرماندانیان ما را در منطقه جنگان ولایت ارزگان در منبر در حالیکه قرآن پیش روی شان بوده با سه تن از مجاهدین شان ترور کردند.

ما خواهان جنگ نیستیم ولی اگر نگذاشتند و شرارت کردند، وظیفه داریم از امنیت مردم خود دفاع نماییم. ما به هیچ عنوانی نیروی بیگانه را در خانه خود تحمل کرده نمی توانیم، ما با طالبان بخاطر قضایای کشور مذاکره می نماییم. ما احتیاجی به نیروی دیگران نداریم. چون حزب وحدت اسلامی از وسیعترین پایه مردمی برخوردار است. این مردم هستند که از حیثیت خودشان دفاع می نمایند. آنهای که بریده از مردم هستند احتیاج به نیروی بیگانه دارند و آنها را بالای خانه های مردم می آورند ■

باند خیانت و معامله خود را ...

دروغین و تهدید مردم را اجبار به شرکت در جنگ می نمایند. گفته می شود که منظور اداره جنگ کابل ازین جنگها در هزاره جات، وارد کردن حزب وحدت اسلامی به سازش با این اداره است. لیکن تنفری که ازین سیاست در ذهن مردم بوجود آمده، این جنگ ها نیت شوم ربانی - مسعود را بر ملا ساخته نتیجه معکوس بیار خواهد آورد. همچنین در این گزارش آمده است که سید مصطفی کاظمی متعلق به باند خیانت و معامله با تعدادی از افراد مسلح به ولسوالی لولنج ولایت پروان اعزام گردیده اند ■

مردم غرب کابل از تلاشی خانه های شان ...

این مردم نسبت به رهبر شهید شان استاد مزاری و ترس اداره جنگی ربانی، از آینده می باشد. باند خیانت و معامله که مردم آنها را عامل سقوط غرب کابل و بی دفاع شدن مردم هزاره در کابل می دانند، برای انتقام کشیدن از مردم بخاطر وفاداری شان به خط سرخ رهبر شهید، پیش قراول این پلان شوم گردیده اند.

گزارش می افزاید، دستگیری و اختطاف جوانان هزاره که در این اواخر افزایش یافته، مردم غرب کابل را در موجی از ترس و نگرانی فرو برده است ■

اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی ...

خبرگزاری وحدت اسلامی به نقل از دارالانشای شورای مرکزی، گزارش می دهد. در این جلسه اقدامات جنگی اداره ربانی و جریان خیانت و معامله در مناطق هزاره جات و نیز عملیات تروریستی باند مزدور در منطقه جنگان مورد بررسی قرار گرفته، تصمیمات مقتضی در زمینه اتخاذ گردید. همین گزارش حاکمیت که در این جلسه تصمیم گرفته شد که هیئتی از سوی مرکزیت حزب وحدت اسلامی به منطقه ورس رفته با همکاری علما و ریشسفیدان منطقه، بخصوص حضرت آیه ۱... بهشتی عضو شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی، جلوگیری از جنگ را بگیرند.

گزارش علاوه می دارد که در این جلسه پیرامون راه اندازی درس های پوهنتون بامیان نیز بحث بعمل آمده تصمیم قاطع اتخاذ شد ■

هفته نامه سیاسی، فرهنگی و خبری

امروز ما

زیر نظر شورای نویسندگان

UNIVERSITY TOWN P. O. BOX: 1073

PESHAWAR - PAKISTAN

قیمت يك شماره ۳۰ روپيه يا معادل آن